

انون اساسی خونهای هزاران
 بهیاد استبداد و حکومت نظامی
 است آنرا دست کم نگیرید
 هر روز نمی شود يك قانون
 اساسی تازه نوشت
 عصر ما، عصر قیام پروری نیست

شنبه
 ۳
 کور ۱۳۵۸
 ۲۹ رجب ۱۳۹۹
 ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۸۹ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ روز

اینست مبارزه با امپریالیسم؟ دوباره سر گذاشتن بدامن امریکا

سیاست خارجی دولت موقت انقلاب، بزرگترین شاخص ماهیت آنست، و هر بار که پره از روی يك راه منتهی به بستر گذشته این دولت، در زمینه سیاست خارجی پس می رود، قسمتی از کاخ آرزوها و آرمانهای انقلابی، و ملی فروری می ریزد.

دیروز، در آن واحد، روزنامه آیتدگان، از جانب دو عامل فعال کابینه، ضربه های شدید به امپریالیسم، در حرکت ضد امپریالیستی حکومت، فرو کوبید. یکجا وزیر خارجه، زبردوشی از تبلیغات سیاسی - از نوع آنچه هفته پیش گفته بود، و الفای قرارداد نظامی دوجانبه ایران و امریکا مورخ ۱۹۵۹ را مشروط و ملزوم الفای قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی ساخته بود - ادعا کرده بود که لغو قراردادهای مالی (با امریکا) به ضرر ملت ایران تمام می شود. و جای دیگر سخنگوی شیرین زبان دولت، زمزمه کرده بود که به شرط مداخله نکردن دولت امریکا در امور ایران از متخصصان امریکایی استفاده خواهد شد. و دولت ایران قصد فروش هواپیماها و موشکهایش را ندارد.

خوب دقت می کنید، اگر نامها را عوض کنند، و یا بردارند، و کسی نداند که گویندگان این سخنانه وزیران و سخنگوی دولت سوخت انقلاب هستند، تصور می کند، روزنامه ای از یک سال پیش همین روزها پیدا کرده است، یا

بقیه در صفحه آخر

نزیه: نمیشود یکنفر بر ۳۵ میلیون نفر حکومت کند

اگر با تهدید بخواهند همه را ساکت کنند هرگز ب نتیجه نمی رسند

● در کشور اسلامی، دعوت به اسلام، شرم آور است
 ● اتکای مایه خدا بوده و همیشه در پناه آیاتی مثل زنجانی، طالقانی و شریعتمداری بوده ایم
 ● چگونه می شود با این شتابزدگی قانون اساسی را در مجلسی با این هیات به تصویب رساند

و رحمت الله مقدم مراغه ای نیز سخن گفتند. دکتر نزیه در مورد مجلس موسسان گفت: چه فرقی میکند که به جای مجلس خبرگان ۷۰۰ نفر یا کمتر باشند، چه ایرادی دارد که از تمام اندیشه ها استفاده شود. تقاضا میشود که پافشاری بیشتری شود تا مملکت پایه و اساس بهتری داشته باشد. تصویب نشان ندهید آن قالبی که می خواهد پیاده کنند، در شان

مقدم مراغه ای: مامثل کشتی در حال غرق شدن هستیم

هوشیار باشید سر نوشت شما و نسل های آینده مطرح است. ساختمان عظیم روی شن بنا شود. در جواب شاه گفتیم که یکنفر نمی تواند بر ۳۵ میلیون نفر حکومت کند و این تجربه ۲۵ ساله نباید برای کسی تکرار شود. خدا نیارد آن روزی را که هر جا صاحب نظران جمع شوند چوب

بقیه در صفحه ۲

آقایان! در یاسوج خبری است

توطئه ای که به نام کمیته انقلاب، به استعفا ایستادار یاسوج انجامید، نباید دست کم گرفته شود. نه تنها توطئه یاسوج، بلکه توطئه زنجان، و [توطئه نقره].

یاسوج را می شناسیم، قلعه ای در قلب قلمرو ایلات مختلف، از بویر احمدی، قشقایی و بختیاری، و درین خانسرای پراسابقه، که رژیم سرنگون شده، با غفلت از آن گذشت و اکنون خانها و ایلخانان از نو به رونق یافتن کار خود می اندیشند. ایلات مسلح، در قلب کوهستانهای فارس، برخلاف خوشبینی پاره ای از رهبران سنتی، خطری برای یکپارچگی ایران بشمارند. مطالبه حقوق برابر، از جانب مردمان خوزستان، که اینگونه استنادار خوزستان فرمانده

بقیه در صفحه ۲

نکته و نگاه:

دسته های خرابکاری حزب معلوم، با نقشه جنگی دقیقی که از پیش طرح شده بود، روز جمعه، به تخریب اجتماع زمین چمن دانشگاه تهران آمده بودند. آنها سنگ انداز داشتند، چاقو کش داشتند، لگدن داشتند، مشت زن داشتند، فحاش داشتند، دشمنی و عفت و اخلاق داشتند، پیراهن پاره کن داشتند، زهرا خانم هم داشتند.

اما زهرا خانم، نقش سرده را بازی می کرد، «آقایون» اول قیچی به دستش دادند و اطرافش را گرفتند، و او را تاپای بلند گوها آوردند. و زهرا خانم را، روی میز فرستادند، و دادند سیم بلندگو را قیچی کند. و برای

بقیه در صفحه آخر

آیا وزیر دفاع در ترمیم تازه کابینه تغییر می کند؟

● جانشین احتمالی وزیر دفاع کیست
 ● کدام قانون اساسی و مجلس خبرگان؟
 ● چند تلفن «سوسه» دار و چند آدم و شایعه

وزیر دفاع، تغییر خواهد کرد. از دیروز موضوع غیبت يك هفته ای وزیر دفاع بیشتر جلب توجه کرد. وقتی شایعه ای بر سر زبانها افتاد که از جانشینان احتمالی وزیر دفاع یاد می کرد. آخرین شایعه، که تکرار شده است، و حکایت می کند که معاون سر لشکر «قره نی» نامزد وزارت

پشت پرده، روی پرده

دفاع است. و در صورتی که ترمیم پیش بینی شده کابینه انجام گیرد، ممکن است جای وزیر دفاع در آن ترمیم، وسیله معاون سابق وزارت دفاع پر شود.

بقیه در صفحه آخر

چریکهای فدایی خلق

موضوع غیبت وزیر دفاع ملی، به شایعه ای که از چند هفته پیش رواج داشت، دامن زده است. حرمت اجتماعی سپهبد ریاحی مولود دوران ریاست ستاد ارتش در کابینه دکتر محمد مصدق است. از چند هفته پیش شایع شده بود که به احتمال فراوان، وزیر دفاع تغییر خواهد کرد.

از دیروز موضوع غیبت يك هفته ای

تنها با اتحاد زحمتکشان، جامعه از یوغ استعمار رها می شود

در قسمتی از این پیام می خوانیم: «با درود فراوان به روان پاک شهید و مبارزان راه آزادی، از تشکیل اتحادیه دهقانان منطقه سقز و از وضع ده نشینان و کشاورزان مطلع شدم.

این موضوع باعث خوشوقتی من شد و لازم دانستم که به کلیه برادران زحمتکش در آن مناطق مطالبی را یاد آوری کنم، که هر چه زودتر در کلیه مناطق کردستان چنین تشکیلاتی به وجود آورند. تا کشاورزان بتوانند از حقوق ملی و سیاسی و اجتماعی خود دفاع نمایند. بقیه در صفحه آخر

برای مقابله با ارتجاع و امپریالیسم مسلح خواهیم ماند

سازمان چریکهای فدایی خلق، بدنبال انتشار خبر روزنامه جمهوری اسلامی، مبنی بر کشف اسلحه و پول از خاتمی که متعلق به سازمان بوده، بیانیهای منتشر کرد.

در این بیانیته آمده است. از نظر ما پختن این خبر به این صورت به هیچوجه اتفاقی نیست. زیرا ما در ماههای اخیر مدام با توطئه هایی از این دست روبرو بوده ایم و نیروهایی که هویتشان بر همگان روشن است، همیشه خواسته اند با مخدوش ساختن نام فدایی در اذهان مردم به اهداف ضد انقلابی خود دست یابند.

سازمان چریکهای فدایی خلق

نامه معصومه کبیری به دولت شورای انقلاب و دادستان کل انقلاب

در جلسه دادگاه به معصومه کبیری شاهد جنایات تهرانی اجازه شهادت ندادند

یکی از مسئولان دادگاه گفت: این زن اخلاک راست اعرافش کنید کل انقلاب، ستوالی را مطرح کرده که این روزها ذهن همه آزاد بخوانان را بخود مشغول کرده است.

بقیه در صفحه آخر

توضیح جنبش ملی مجاهدین زنجان درباره مساله خلع سلاح برای پاسداری از مراکز خود

جنبش ملی مجاهدین در زنجان متعاقب پخش اخبار و شایعاتی مبنی بر خلع سلاح این شعبه توضیح داد که جنبش ملی مجاهدین در زنجان هیچوجه خلع سلاح نشده و مسئولان جنبش در عین آنکه نهایت همکاری را با مقامات مسئول جهت برقراری آرامش در شهر میزول داشته و خواهند داشت معتقدند و توضیح دادند که جنبش برای پاسداری و

بقیه در صفحه آخر

بلند اجویت در راه ایندیرا گاندی

گویا فراز است، تجربه های تاریخی، مرتب، در این سوی جهان تکرار شود. و ما اکنون آقای «اجویت» سیاستمدار بر آواره و سوسپال دموکرات ترکیه را، در موضعی می بینیم که چند سال پیش خانم گاندی، نخست وزیر سوسیالیست هند، قرار داشت. بد آنکه بین مسائل و شرایط هند و ترکیه، راه دوری فاصله است.

ولی نباید فراموش کرد که هند و ترکیه، در يك مورد با هم سر نوشت مشترک دارند، در پیوند گسسته شده اقتصادی، با غریب، که عامل پیوندهای دیگر نیز هست.

بزرگترین اشتباه آقای «اجویت» تن دادن به اعلام حکومت نظامی در ۱۳ ایالت ترکیه بود. با آنکه چاره منحصر به فرد آقای اجویت نیز همین بود که برای ادامه حکومت، با هدفی که داشت، تسلیم اعلام حکومت نظامی بشود.

اگر چنین نمی کرد، اجویت باید یکی از دو راه دیگر را میزد: یا استعفا می کرد تا ارتش، و حزب عدالت، بر امور

بقیه در صفحه ۲

کارکنان متحصن سازمان ملی خدمات اجتماعی سرپرست سازمان باید برکنار شود

دیروز کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی چهارمین روز تحصن خود را پشت سر گذاشتند. در این روز عده متحصنین به ۸۲۵ نفر رسید.

شش نفر از متحصنین اعلام کردند که: اگر نخست‌وزیری ناظر امروز (شنبه) به خواستهایمان جواب ندهد، دست به اعتصاب غذای خشک می‌زنیم.

یکی از کارکنان می‌گفت: ما فقط به منظور جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال و رسیدگی به سوابق افراد نامطلوب تحصن کرده‌ایم. و این عمل بی‌روانه‌ای است که روز یکشنبه گذشته برای امام، نخست‌وزیر و دادستان انقلاب فرستادیم.

کارکنان متحصن سازمان ملی خدمات اجتماعی طی قطعنامه‌ای خواستار اجرای موارد زیر شدند:

- ۱- برکناری سرپرست موقت این سازمان، آقای احمد رئیس روحانی به علل زیر:
 - الف: با اینکه ۴ ماه از تصدی ایشان می‌گذرد هیچگونه اقدامی برای رسیدگی به سوء استفاده‌های افراد وابسته به رژیم گذشته نکرده و اینک با اعلام انحلال سازمان، عملاً رسیدگی به آنها
- ۲- تعیین یک مدیر با صلاحیت از سوی دولت به منظور تسویه و بررسی اسناد و مدارک جهت تعیین و معرفی افراد فاسدسوء - استفاده‌گر وابسته به رژیم سابق و تحت پیگرد قانونی قراردادن نامبرگان.

تزیه: نمی‌شود

بقیه از صفحه ۱

تکفیر بر آن وارد شود. اگر بخواهند با تهدید جان و شرف همه را ساکت کنند به نتیجه نخواهند رسید. دعوت بوحث کلمه میکنیم اما همه کارمان در جهت مخالف آن است. اگر در تمام سطح کشور و در تمام ایالت‌ها همیشه موفق خواهیم بود چرا ما نباید جایی مثل «هایدپارک» لندن داشته باشیم تا مردم آزادانه در آن صحبت کنند.

از مهندس بازرگان میخواهم آنطور که شخصیت ایشان نشان میدهد، بیشتر تامل کنند و اجازه دهند قانون اساسی در فرصت بیشتر و بوسیله کارشناسان تهیه شود. ایکاش اینکار را میکردند کمالینکه جمعیت حقوقدانان این کار را مسرود چگونه می‌توان گفت که گفته‌های حقوقدانان در سابق بحق بود ولی الان نه. اینها همان آدمها هستند، کانون و کلا در زمان شاه همیشه در معرض خطر نظامیان بود و بهر طریق سعی میکردیم که از خطر مصون بماند. حقوق بشریه ما کمکت زیادی کرد. اتاق باایکائی حقوقدانان ایران نشان میدهد همین حقوقدانان بشر در فرانسه بودند که باعث اقامت امام در فرانسه شدند. آنها از انقلاب ایران حمایت می‌کردند اما حالا تلگرافی می‌زنند که این خونها برای چه بود که ریخته

روزنامه برابری ارگان اتحاد ملی زنان منتشر شد

روزنامه برابری مسایل زنان را از دیدگاه سیاسی و صنفی مورد بررسی قرار می‌دهد. این روزنامه هر ۱۵ روز یکبار منتشر میشود.

پیغام امروز
مدیر مسئول - رضا مرزبان
زیر نظر شورای نویسندگان
ناشر: پیغام‌نو
نشانی پستی تهران صندوق شماره ۴۱۲۶۶۷

آقایان! در یاسوج خبری است

بقیه از صفحه ۱

نهری دریایی را، دچار انقباض عضلات ماخته بود، حتی یک هزارم سرهم بندی مجدد خانی و ایلخانی در کوهستانهای جنوب، برای تمامیت ایران خطرناک نیست.

آقایان! همه دشمنان شاه خانن، دوستان مردم ایران نبودند، خپلوسی از آنها دشمنان مردم ایران هم بشمار می‌آمدند، خاتما و فتودالها و مالکان بزرگ ازین دسته‌اند.

در سالهای آخر، حبیب ثابت هم از شمار دشمنان و مخالفان شاه بود، شما او را دوست مردم ایران نمیشناسید، حقم باشماست. اما چرا، مالکان بزرگ و خانها و ایلخانها و ایلچیگی‌ها را دوست انقلاب و دوست مردم ایران پنداشته‌اید؟ این اندازه، که در یاسوج عمل کرده‌اید، کافی نیست، آقای حمیدزاده روحانی اعزامی به یاسوج، درد را درست تشخیص داده است. ولی درمان را باید اساسی‌تر، در نظر گرفت. کانونهای احتمالی توطئه‌ها ضد انقلاب، میراث‌خوار رژیم سرنگون شده، با حدس نزدیک به واقع، از جمله باید در این قلمرو مستقر باشد.

هر نوع هشیاری به موقع، برای سرکوب ضدانقلاب، در مناطقی نظیر یاسوج، و کوهستانهای جنوب، و استیلا کامل بر این منطقه، ضرورت انقلابی دارد. ایمنی خوزستان را، در اینجا گوید. ما باشما هم عقیده‌ایم که آنجا ضد انقلاب موضع دارد. و شایعات پراکنده می‌گوید که تیر و مراد درین منطقه کوهستانی، باید چشم‌پراه حوادثی بود، و باید هشیارانه به استقبال آن حوادث رفت.

تعصب و خشونت‌هایی که در قالب مذهبی ریخته شده است، و هر نقده، وضعی پدید آورده، که ممکن است به یک کوچ ۱۳ هزار نفری مردم کرد آن منطقه منجر شود. کاش جای خود را به واقع‌بینی می‌سپرد. و کاش در مناطق ایل نشین مرکز و جنوب و شرق کشور، چشمها بیشتر باز می‌ماند و به کنه وقایع، می‌نگریست که به عبور آب از زیر گاه می‌ماند.

بلند اجویت در راه ایندیرا گاندی

بقیه از صفحه ۱

مستولی می‌شد، که بمنزله خودکشی برای آقای اجویت بود، و یا باید تن به یک سیاست حاد انقلابی میداد، که باز در نوع خویش خودکشی بشمار می‌آمد. و اجویت مقاومت، و ایستادن روی لبه تیغ را پذیرفت، به امید آنکه بتواند عوامل بنیادی تروریسم گسترده را، در ترکیه، مهار کند، یا راه آشتی با آنها بدمت آورد.

اما کیست که نداند، برانگیزندگان عوامل اصلی طغیان تروریسم، در ترکیه، راه‌سازشی با آقای اجویت باقی نگذاشته‌اند. ترکیه، دستخوش فشار ویرانگر و امپاتی است که نخست نظامیان پیش پای دیمیرل رهبر حزب عدالت و جاننشین مندرس و حزب دموکرات، با دست و دل باز برای ترکیه باقی گذاشته‌اند. و به موازات آن ترکیه، به علت شرایط اقتصادی اردوای غربی، یکی از منابع اصلی درآمد ارزی خود را، که کار دو میلیون کارگر مهاجر ترک در آلمان و هلند و فرانسه و دیگر کشورها بود، از دست داده است، و سالی یک میلیارد و نیم دلار چشمه این عایدی اگر بطور کامل خشکیده باشد، رقم عمده و اصلی آن حذف شده، فعالیت‌های اقتصادی یا به اصطلاح سرمایه‌گذاری در ترکیه، از شمار فعالیت‌های صنعتی انحصارها در کشورهای جهان سوم است و ایمن سرمایه‌گذاریها، تازه اقتصاد ترکیه را به یک اقتصاد وابسته مبدل ساخته است. و با زیردخت و امپا، و ریح روزافزون آنها ماردوش چنین اقتصادی است، صنایع دارویی ترکیه، صنایع وابسته است، نه مستقل، باقی صنایع نیز از همین قبیل‌اند. اقتصاد رومانی، در ترکیه، زیر فشار خصلت اقتصاد وابسته شهری، دستخوش زوال و بجران است. و ارتش، که بزرگترین قدرت و بزرگترین مصرف‌کننده اقتصاد ترکیه است، نیز در شرایط خاص بصری برد.

ارتش ترکیه را آمریکا، چنان وابسته و چنان نیازمند نو کردن روزانه تسلیحات ساخته است که هیچ حرکت آزاد، بی‌یک تحول بنیادی در ارتش میسر نیست، و سررشته‌آزاده ارتش در دستهای محافظه کار قرار دارد، و هر نوع تحول بنیادی در ارتش، با ضروره اول با واکنش حاد ارتش علیه عامل تحول رویارو خواهد شد.

در عین حال، آمریکای معتاد کننده ارتش ترکیه، حاضر نیست کمکهای را که در سالهای گذشته در قبال ترکیه داشت، حتی باندازه نیم‌و کمتر از نیم، تقبل کند. و اگر نوقی نزد پنتاگون یا «سیا» باشد، که دست کمک به پشت ارتش ترکیه بگیرند، آن نوق متوجه مستقر ساختن «فاتیسم» و «نژادپرستی» در ترکیه به عنوان یک واحد آزمایشی است، تاراه را به روی ادامه آزمایش، در جاهای دیگر باز کند.

این عوامل زیر بنایی است که پاروی سینه آقای اجویت گذاشته است، و همانطور که اجویت با خصلت سوسیال دموکراسی مترقی خود، تن به سازش باواشنگتن، در یونان نداد، و واشنگتن، با خصلت امپریالیستی خویش، چنان اجویت را، در تنگنای فقر و بجران اقتصادی، قرارداده است که باید زرفتن هر یک از شروط سازمانهای وابسته به شبکه جهانی امپریالیسم، نظیر صندوق بین‌المللی پول، و بانک جهانی، یک درجه حلقه بیشتر روی گلولی اوفشار می‌آورد. و در ایمن تنگناست که «اجویت» از طریق غلتیدن در خط اعصا قدرت،

۳۰ کارمند کانون پرورش فکری کودکان متحصن شدند

بیش از ۳۰۰ تن از کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از دیروز در طبقه هفتم اداره کانون متحصن شدند.

این تحصن بدنبال اخراج ۲۰ تن از کارکنان رسمی و ۲۵۰ تن از مریبان قراردادی کانون صورت گرفته است. از سوی دیگر مدیران امور اداری و کارگری بعنوان اعتراض به اخراج این عده استعفا دادند.

سخنگوی متحصنین به پیغام امروز گفت:

مسئولان کانون که اشخاصی با ایمان ولی فاقد تخصص هستند بدون دلیل موجه عده‌ای را از کار بی‌کار کرده‌اند. بدستور آنان امروز از رودما به کانون تاساعت ۹:۳۰ جلوگیری می‌کردند ولی بعد از اصرار مامین بر احترام از هرگونه درگیری موفق شدیم بداخل ساختمان رفته و متحصن شویم.

سخنگوی متحصنین اضافه کرد که برای اخراج کارکنان باید مراحل قانونی طی شود و دلیل قابل قبولی ارائه گردد. ولی اینها به اصطلاح خودشان انقلابی عمل کرده‌اند. البته نه در مورد افراد ساواکی. بلکه افرادی را اخراج کرده‌اند که در زمان اعتصاب خود از گردانندگان آن بودند.

اکنون ما بخاطر اعتراض به اخراج نام‌های به آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر نوشته‌ایم. (متن نامه در دنباله گزارش چاپ شده) ما گفته‌ایم و باز تاکید می‌کنیم که خواسته ماست صنفی است و هیچگونه برجسی نمی‌توانند بمانند بزنند.

ما از دولت می‌خواهیم که هیاتی را برای بررسی وضعیت به اینجا بفرستد. چون مدیریت جدید فاقد اطلاعات کافی در زمینه کار کانون است. آنان به کارکنان اعتمادی ندارند. و بهین خاطر ۲۲ نفر خارج از کادر کانون به سازمان آوردند که اکنون بعنوان نماینده مادر همه جا حاضر می‌شوند.

مدیریت غیرمسئول کانون از صداقت کارگران کانون سوء استفاده کرده و آنان را بر علیه کارکنان اخراجی تحریک می‌کند.

کتابخانه دخترانه و پسرانه
از سوی دیگر مسئولان فعلی با دادن اطلاعاتی به موجب نامه شماره ۲۴۰۹۷ به تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۵ به کلیه کتابخانه‌ها دستور داده‌اند که موظفند روزهای زوج هفته پذیرای اعضای دختر و روزهای فرد پذیرای اعضای پسر باشند و از دختران خواسته شده است که «نهایت دقت و توجه را در پوشیدن لباس و حفظ فرم ظاهری خود» بخرج دهند.

باید گفت که از زمان انقلاب به اینطرف که مدیریت جدید بکار مشغول شده، همواره تقشش عقاید وجود داشته است.

و اعلام حکومت نظامی‌های اضطراری، آخرین دریچه‌های تنفس ملی را به روی خویش می‌بندد.

آقای «اجویت» دارد، در واقع، مراسم عقد و اتحاد ارتجاع و فاشیسم را بانظام کلی ارتش ترکیه که رهبری آن بدست محافظه‌کاران سنت‌گراست، در کلیسای حکومت نظامی بجا می‌آورد. و کرگهای خاکستری، چشم به راه لحظه‌ای هستند که به نام آزادی، دندان در گلولی این رهبر سوسیال دموکرات فروریزند و خون او را بچشند

حق برگزاری سخنرانی را اعضای کانون گرفتند و افرادی متخصصی فاقد صلاحیت را مصدر کار قرار دادند. و بعد از آن همه توطئه بالاخر حکم اخراج مان را دادند و دل آنرا نبودن بودجه کافی، زد کردند. در صورتی که مریبان مایشناهد کرده‌اند تا تامین بود حاضرند بدون حقوق کار کنند اما باز هم بهمان دلالی که تقشتم حاضر نشدند قبول کنند نامه به نخست‌وزیر مریبان مراکز آموزش هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نامه سرگشاده‌ای نخست‌وزیر خواستار رسیدگی اخراج ۲۵۰ تن از مریبان شدند در قسمتی از این نامه آمده است امروز در دوران سازندگی انقلاب، انقلابی که با فداکاران و از خودگذشتگی خلق قهرمان به ثمر رسیده بی آنکه به عوام خود فروخته و ضد مردمی کانون بگویند بالای چشمستان ابروست بی آنکه ساواکیان رخنه کرده کانون را افشا کنند، دست اخراج بی دلیل کارکنان متحصن و صادق زده‌اند.

کتابداران را اخراج میکنند مریبان زحمتکش را از کار بی‌کار می‌کنند، مراکز آموزش‌های هنری را تعطیل و تخته می‌کنند و کلاسها را کنار می‌گذارند که دوران انقلاب بیشترین کوشش مبارزه و اعتصابات از آنان بوده است.

اکنون ما با اعتراض به رفتار غیر انسانی و سوء نیت و ازهم پاشیدن کانون پرورش فکری توسط سرپرستی غیر مسئول و بی صلاحیت اعلام تحصن کرده خواهان رسیدگی بموارد زیر هستیم:

- ۱- بازگرداندن کلیه کارکنان اخراجی به سرکار، که به ناحق و بدون دلیل و غیرقانونی اخراج شده‌اند.
- ۲- بازگشایی مجدد مراکز آموزش‌های هنری کانون و بکارگماردن مجدد مریبان هنری این مراکز.
- ۳- رفع هرگونه سانسور و تقشش عقاید و خفقان و تامین شرایط مساعد برای ادامه فعالیت‌های سازنده فرهنگی - هنری.
- ۴- افزایش ماهیت دزدها و وابستگی رژیم گذشته و محاکمه و اخراجشان از کانون و طرد عناصر اعتصاب‌شکنی که اکنون در لباس اسلام از نزدیکان سرپرستی کانون شده‌اند.
- ۵- تأیید شورا‌های واقعی منتخب کارکنان کانون و انحلال شورا‌های فرمایشی.
- ۶- برکناری روسای تحمیلی و بی‌فروغ روسای صلاحیتی که از بیرون آمده‌اند.

جناب نخست‌وزیر می‌دانیم مشکلات زیادی دارید ولی کانون دارد نابود میشود.

چریکهای ساندینیست: «کار ساموزا تمام است»

خبرهای فشرده

● براساس قراردادی که بین دولت عربستان سعودی و «انی» شرکت نفت ایتالیا، امضاء شد، عربستان سعودی در سال جاری ۲۵ میلیون تن نفت خام به ایتالیا می‌فروشد، سنگتوی شرکت انی اعلام داشت این مقدار در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ بمیزان ۵ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

● ایتالیا از طریق فعالیت‌های اکتشافی و خرید نفت کمپانی انی، ۲۷/۷ میلیون تن نفت خام وارد کشور میکند. جورجیو مازانشی، رئیس شرکت انی، گفت این شرکت در پروژه‌های صنعتی عربستان سعودی نیز شرکت دارد.

● انستیتوی بین‌المللی مطبوعات که کنفرانس سالانه‌اش را در اتن برگزار کرد، در قطعنامه گردهمایی سه‌روزه‌اش کشورهای ایران، آفریقای جنوبی و چند کشور عرب و آمریکای لاتین را متهم به نقض آزادی مطبوعات کرده در قسمتی از قطعنامه این سازمان آمده است که انستیتوی بین‌المللی مطبوعات نگرانی‌اش را درباره فشارهای اخیر دولت ایران به مطبوعات آن کشور، که مانع‌اند از آزادی‌های مطبوعات ایران گردید، اعلام میدارد.

هرالد تریبون

● هوآوآفونگ، نخست‌وزیر چین، اعلام کرد براساس تصمیمات پنجمین کنگره ملی خلق چین که جلسات آن هنوز ادامه دارد، دستمزد ۸۰۰ میلیون کشاورز چینی افزایش خواهد یافت. نخست‌وزیر چین گفت این تصمیم با توجه به برنامه صنعتی کردن چین که نیاز به کوشش شدید و مشارکت همه جانبه کشاورزان دارد، ضروری بود.

● نخست‌وزیر به کلیه هیئت‌های حاضر در کنگره مزبور اطمینان داد که قیمت‌ها در چین ثابت خواهد ماند و این افزایش درآمد تأثیری در قیمت‌خوردن فروشی نخواهد داشت. چین دارای ۲۷ هزار کمون میباشد، که جمعیت این کمونها در روستاها بسر می‌برند. روستائیان چینی هم‌چنین از سال گذشته نسبت بسالهای قبل مالیات کمتری می‌پردازند.

● سازمان عفو بین‌المللی اسامی و مشخصات کامل ۲۶۶۵ تن از مخالفین رژیم نظامی - پلیس آرژانتین را، که در سالهای اخیر دستگیر و ناپدید شده‌اند، انتشار داد.

● مارتین انالز، دبیرکل سازمان عفو بین‌المللی، گفت مشخصات این افراد، که بدست پلیس امنیتی آرژانتین ناپدید شده‌اند، از طریق بستگان آنان جمع‌آوری گردید. او گفت تعداد مخالفین سیاسی رژیم نظامی آرژانتین که فعلاً آثاری از آنان وجود ندارد و جز ناپدیدشدگان قلمداد میشوند، بیش از ۲۰ هزار نفر میباشد.

● سرمایه‌داری ژاپن، که در یکی دو دهه اخیر در اوج رونق خود قرار گرفته بود، برای اولین بار در ماههای اخیر آثار رکود را در اقتصاد خود ثبت کرده است.

● رابطه بازرگانی ژاپن، که تا سال گذشته، بایک افزایش تر از پرداخت بیش از ۱۰ میلیارد دلار مشخص بود، در ماهه سال جاری ۸۰۰ میلیون دلار کسری تر از پرداخت نشان داد. گزارشهای مالی و پیش‌بینی‌های وضع تجارت آینده این کشور یک روند همراه با رکود را برای اقتصاد ژاپن پیش‌بینی میکند، و بدین طریق میتوان گفت که پایان دهه ۱۹۸۰ ژاپن با یک اقتصاد روبه رکود همراه با بیکاری مواجه خواهد شد.

نوز گفت چریکها جز ادامه نبرد راه دیگری برای مقابله با رژیم ساموزا نمی‌شناسند. وی اظهار داشت: «ما عقیده داریم ساموزا هرگز به میل خودش نخواهد رفت. او بارها این مطلب را گفته است و ما حرفش را باور می‌کنیم. او را فقط می‌توان با زور بیرون کرد. بنابراین ما باید از طریق یک انقلاب موفق شویم.» نوز همچنین علیه هرگونه دخالت خارجی در نیکاراگوئه اظهار کرد و گفت در صورتیکه آمریکا بخواهد مداخله کند، انقلابیون مبارزه را ادامه خواهند داد.

● موسی حسن نیز گفت برای بازسازی کشور قرار شده اقلش مختلف در شورای انقلابی پنج نفره نمایندگانی داشته باشند. آقای حسن و یک رهبر ساندینیست دیگر عضو این شورا هستند. اعضای دیگر شورا عبارتند از یک مقام لیبرال دانشگاهی، یک سرمایه‌دار ثروتمند و یانفوذ و همسر یکی از مخالفان سیاسی ساموزا، که سال قبل بدست ماموران دولت کشته شد.

● در نقاط دیگر کشور، نبرد بشدت ادامه دارد. شهر لئون اکنون کاملاً در کنترل انقلابیون است و پادگان آن سقوط کرده. ولی گروه کوچکی از افراد گارد ملی همچنان تحت محاصره به مقاومت ادامه می‌دهند. در جنوب کشور یک ستون ۷۰۰ نفری از چریکها در حال تصرف شهر ریواس هستند تا آنجا را بصورت مرکز دولت انقلابی موقت در آورند. نیروهای دولتی ریواس را بمباران می‌کنند ولی چریکها در حال پیشروی هستند.

● در شهر لئون نیز، مطابق آخرین گزارشها، چریکها موفق شدند نیروهای گارد ملی را که برای پس‌گرفتن شهر آمده بودند وادار به عقب‌نشینی کنند.

● از سوی دیگر دولت آمریکا بطور غیررسمی دولت موقت انقلابی را برسمیت شناخت و اعلام کرد این دولت باید درحل مسئله نیکاراگوئه شرکت کند. دولت پاناما نیز روابط سیاسی خود را با رژیم ساموزا قطع کرد.

● در حالیکه یهران سیاسی و نظامی رژیم لئونال ساموزا را درآستانه سقوط قرار داده، خبرنگاران خارجی موفق شدند در پایتخت نیکاراگوئه با رهبران جبهه آزادیبخش ساندینیست ملاقات کنند.

● این ملاقات زمانی انجام شد که چهار خبرنگار در حومه این پایتخت کشور، در حال حرکت بودند. یک جوان نیکاراگوئه‌ای از آنها خواست بدنبال وی بروند و پس از نشان دادن خبرنگاران از شبکه وسیعی از سنگرها و پاسداران نظامی آنها را به مقر فرماندهی جبهه آزادیبخش رسانید. «صبح آنها را به مقر فرماندهی جبهه آزادیبخش رسانید. یک فرماندهی بوسیله چریکهای جوان حفاظت می‌شد و اطراف آن صدای انفجار راکت و خمپاره دائما بگوش می‌رسید. در داخل پایگاه چریکی، یکی از فرماندهان به خبرنگاران گفت آنها اکنون در منطقه آزاد شده هستند و در اینجا به آنان آسیبی نخواهد رسید. یکی دیگر از سنگگویان انقلابیون موقعیت را برای خبرنگاران تشریح کرد و گفت که زیادی از افراد غیرنظامی بوسیله نیروهای «گارد ملی» ساموزا کشته شده‌اند. ولی تلفات چریکها چندان زیاد نبوده است. همین سنگگو اعلام کرد رژیم ساموزا بزودی - و در بری مدتی کمتر از چند هفته - سرنگون خواهد شد.

● خبرنگار ساندینیست گفت: «درماناگوا: گارد ملی عدم ولایت خود را در مبارزه با چریکها و مردم مسلح نشان داده است. تنها چیزی که گارد ملی می‌تواند به آن تکیه کند لشکرات تکنیکی ارتش است، یعنی توپخانه، تانک و نیروی هوایی. با اینحال روحیه سربازان در هم شکسته است.»

● خبرنگاران همچنین توانستند با عده دیگری از رهبران ساندینیست گفتگو کنند. یکی از این رهبران، که موسی حسن، نام دارد، استاد دانشگاه و عضو شورای پنج نفره دولت موقت انقلابی کشور است.

● فرد دیگری که با خبرنگاران صحبت کرد کارلوس نونز یکی از رهبران جناح نظامی جبهه آزادیبخش بود.

احتمال بهبود روابط چین و شوروی

● نظر منابع سیاسی غربی، رهبران پکن بیش از پیش به این نتیجه می‌رسند که برخلاف تصور قبلی آنها تعادل توا در سطح جهانی بسود شوروی و بضرر آمریکا و متحدان آن در حال تغییر است. سرنگونی رژیم شاه در ایران و وقایع مشابه نشان می‌دهد که آمریکا چندان هم قدرتمند و ضربه ناپذیر نیست. در حالیکه شوروی‌ها دائماً پیشروی می‌کنند و متحدان تازه‌ای بدست می‌آورند. از نظر نظامی هم بسیج بزرگ ارتش شوروی در مرز چین و نیز آمادگی ارتش ویتنام

● نظر می‌رسد روابط چین و شوروی در آینده تا حدی بهبود خواهد یافت. دولت چین اخیراً مقامات شوروی را به مذاکره رای عادی کردن روابط دو کشور دعوت کرده و شوروی‌ها این دعوت را پذیرفته‌اند. با وجود آنکه این واقعه تا حدی دارای سابقه قبلی است ولی این بار مسئله مهم و تازه‌ای مطرح شده، یعنی چینی‌ها گفته‌اند که حاضرند در رابطه با ادعاهای مرزی دو کشور، با شوروی مذاکره کنند. تاکنون دولت چین هر گفتگویی را مشروط به این امر می‌کرد که ابتدا اختلافات مرزی دو کشور باید حل شود. عادی شدن روابط چین و شوروی چیزی است که رهبران شوروی پس از مرگ مانوهاره انتظار آنرا می‌کشیده‌اند ولی چینی‌ها تاکنون در جهت حرکت نکرده بودند و برعکس سعی داشتند هرچه بیشتر به غرب نزدیک شوند. اما اکنون دولت چین ظاهراً به حرکت تازه‌ای دست زدند و ناظران دلیل اصلی این حرکت را در این می‌بینند که چینی‌ها در باره اینکه غرب می‌تواند تکیه گاه مطمئنی علیه شوروی باشد تجدید نظر کرده‌اند.

● قانون حداقل سن را برای کار دستمزدی تعیین مینماید. این جمهوری با ضوابط ویژه‌ای کار خردسالان را حمایت کرده و در برابر کار یکسان دستمزدی برابر تعیین مینماید. ماده ۳۸ - افراد ناتوان در کار و افراد فاقد امکانات زندگی از حق حمایت و تعاون اجتماعی برخوردار میباشند.

● کارگران حق دارند که در صورت موانع ناشی از کار، بیماری، علیلی و بگیری، بیکاری تحمیلی یا اتخاذ تدابیر معناسب زندگی آنان تأمین و تضمین شود. اشخاص ناتوان از نظر جسمی روحی حق تعلیم و تربیت و آمادگی به حرفه را دارند.

● وظائف پیش‌بینی شده در این ماده را تفکیکات و بنیادهای ایجاد شده یا ادغام شده در دولت، آنجا می‌دهند. خدمات رفاهی خصوصی آزاد است. ماده ۳۹ - تشکیلات سندیکائی آزاد است.

● به سندیکاهای هیچگونه تحمیلی نمیتوان اعمال نمود مگر ثبت آنان در ادارات محلی و مرکزی طبق ضوابط قانونی. شرط ثبت اساسنامه کارگری داشتن یک نظامنامه داخلی است که بر پایه دموکراتیک بنا نهاده شده باشد. سندیکاهای ثبت شده دارای شخصیت قضائی هستند. سندیکاهای می‌توانند بنسبت تعداد اعضای خود متفقاً نمایندگی نموده و قرار دادهای دسته جمعی کار را منعقد کنند. رعایت مفاد این معاهدات برای کلیه افرادی که قرارداد مربوط به صنعت آنان است اجباری است.

● ماده ۴۰ - حق اعتصاب در حیطه قوانین تنظیم شده صورت میگیرد. ماده ۴۱ - ابتکارات اقتصادی خصوصی آزاد است. این ابتکارات نمیتوانند در تضاد با منافع اجتماعی صورت گرفته و یازیان به امنیت، به آزادی، به حیثیت انسانی وارد آورند.

آشنایی با قوانین اساسی دیگران

قانون اساسی جمهوری ایتالیا

نظام اجتماعی - حقوق و آزادیهای مردم (۳)

● گذراندن تحصیلات عالی را دارند. این جمهوری این حق را با بورس تحصیلی، کمک‌بخانواده‌ها و دیگر اقدامات که توسط کنکور صورت میگیرد عملی میسازد. **روابط اقتصادی** ماده ۳۵ - این جمهوری کار را در تمام اشکال و موارد اجرایی آن حمایت میکند. آموزش و ارتقاء سطح حرفه‌ای کارگران را پرورش میدهد. قراردادها و سازمانهای بین‌المللی را که در جهت تأیید و تنظیم حقوق کار است ترغیب و تسهیل مینماید. حق مهاجرت را بجز در موارد مقرر شده قانونی در جهت منافع عمومی برسمیت شناخته و از اشتغال ورزی ایتالیائیه‌ها در خارج از کشور حمایت میکند. ماده ۳۶ - کارگران حق دستمزدی متناسب با کمیت و کیفیت کارشانرا داشته و در هر صورت بطوری که یک زندگی آزاد و آبرومند را برای خود و خانواده‌هایشان تضمین نماید. حداکثر ساعات کار روزانه از طرف قانون تعیین میشود. کارگران حق استراحت هفتگی و حق تعطیلات سالانه بسا حقوق را دارند که از آن نمیتوان صرف‌نظر کرد. ماده ۳۷ - زنان کارگر حقوقی برابر با کارگران مرد داشته و در برابر کار یکسان از دستمزدی مساوی برخوردار میباشند. شرایط کار میباید اجازه انجام نقش اساسی خانواده را بزنان داده و حمایت ویژه‌ای را از مادر و فرزند بطور مناسب تضمین کند.

● قانون، حدود و ضوابط تشخیص هویت پدر را تعیین مینماید. ماده ۳۱ و ۳۲ - این جمهوری با اقدامات اقتصادی و دیگر تدابیر، تشکیل خانواده و انجام وظایف مربوطه بخصوص در مورد خانواده‌های کثیرالمنده را تسهیل مینماید و سلامتی را بعنوان حق اساسی هر شخص و بعنوان منافع همگانی حمایت کرده و درمان رایگان را بدین منظور تضمین مینماید. هیچکس را نمیتوان با اجبار در معرض آزمایشهای پزشکی مشغول قرار داد مگر براساس ضوابط قانونی. قانون نمیتواند در هیچ موردی به سیطره حیثیت افراد تجاوز نماید. ماده ۳۳ - هنر و علم و آموزش هنری و علمی آزادند. این جمهوری ضوابط کلی را در مورد آموزش وضع نموده و مدارس دولتی را در همه سطوح و درجات تأسیس مینماید. سازمانها و اشخاص حق تأسیس مدارس و انستیتوهای تربیتی را بدون هزینه برای دولت دارند. و انستیتوهای عالی فرهنگی، دانشگاهها و آکادمیها حق دارند برای خود نظام مستقلی را در چهارچوب قوانین دولتی وضع نمایند. ماده ۳۴ - آموزش برای همه آزاد است. **رایگان است.** افراد شایسته و افراد با استعداد در صورت عدم بقاقت حق

لایحه جدید مطبوعات قانون سانسور مطبوعات است

- قانون مطبوعات باید قانون حمایت از آزادی مطبوعات باشد.
- آزادی مطبوعات، آزادی رقابت عقاید و آزادی مبارزات طبقاتی در عرصه مطبوعات است.
- هر قانونی که محدود کردن این آزادی بپردازد، هدفی جز خفه کردن مبارزات خلقها و دربند کشیدن زبان و اندیشه طبقه کارگر ندارد.
- طرح قانون مطبوعات مذهب را در مقابل و ماوراء عقل و منطق و منافع طبقات قرار میدهد و مطبوعات را در مقابل این دوراهی قرار میدهد که یا قلب واقعیت کنند و یا کاملا سکوت نمایند.
- قوانین سانسور، مبارزه علنی را به مبارزه مخفی و مبارزه اصولی را به مبارزه منطبق بدون اصول علیه اصول منطقی تبدیل میکند.

مطبوعات آزاد از ابتدائی ترین پیش شرطهای لازم انتخاب آزادانه عقیده و ایجاد افکار عمومی آزاد است که خود نتیجه حاکمیت روابط دمکراتیک در جامعه میباشد. دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از آزادی اندیشه، دفاع از اندیشه آزاد و دفاع از شرایط انتخاب آزادانه اندیشه و عقیده است، در نتیجه مبارزه علیه سانسور و قوانین مربوط بدان، مبارزه ایست علیه انجماد اندیشه، علیه بتدگی اندیشه و علیه اندیشه دربند. و این مبارزه ایست برای دمکراسی و علیه انحصار طبیبی و توجیحات قانونی و شرعی آن. مبارزه برای مطبوعات آزاد، مبارزه ایست برای استیفای حق تعیین سرنوشت توده ها، در حالیکه مبارزه با سانسور قانونی، مبارزه ایست با قلب قانونی واقعیت. مبارزه برای مطبوعات واقعی مطبوعات از طریق انتقاد آزاد در دادگاهی علنی به وسعت تمامی جامعه. پس مبارزه علیه سانسور مبارزه ایست علیه انتقاد بعنوان حق انحصاری دولت و دولتمردان. از این رو دفاع از آزادی مطبوعات و مبارزه علیه سانسور

این مسئله مطرح است که در کدام يك از سیستم هائی که ادعای آزادی خواهی دارند، دولت قانون گذار است، و یا اینکه در کدام يك از این جوامع عده ای مجهول السویه تحت عنوان «شورای انقلاب» صلاحیت تصویب قوانینی را دارا میباشند. و بالاخره در کدام يك از این جوامع که دارای قوانین مدون میباشند، قوانین بدون وجود قانون اساسی، یعنی بدون اساسی ترین قوانین و اصلی ترین و کلی ترین معیارها و ضوابط تعیین کننده روابط اجتماعی، قابل طرح و تصویبند؟ البته بر این واقعیت واقفیم که، در واقع، هیچ يك از قوانین حاکم در جوامع طبقاتی برای تمام مردم نبوده بلکه قوانین حزب حاکم است علیه احزاب دیگر. و از آنجا که احزاب بدون وابستگی طبقاتی وجود ندارند، عملاً قوانین طبقه ای علیه قوانین جانبدارند، در صورت عدم وجود ضوابط عینی، همواره قوانین تروریسم میباشند - و در مورد قوانین مطبوعات، قوانین تروریسم و عقیده اند، و اصولاً آنجا که بجای عمل مشخص، عقیده معیار جزای قانونی باشد، در آنجا چیزی جز اجرای ترور قانونی وجود ندارد. (نگاه کنید به طرح لایحه مطبوعات، بخصوص ماده ۱۵ و ۱۶ که در آن «مندرجات» نشریه را با «ارتکاب عمل» یکی میدانند.) طرح صحیح مسئله آزادی مطبوعات باین ترتیب نیست که آیا این آزادی باید باشد یا خیر. اصولاً آزادی بانواع مختلف آن همواره وجود داشته است. مسئله ای که امروز در جامعه

ما پس از انقلاب مطرح است، اینست که آیا آزادی مطبوعات که توسط مبارزات عمومی بدست آمده، فقط امتیازی است خصوصی برای برخی از افراد و یا گروه ها و طبقات اجتماعی، و یا اینکه امتیازی است عمومی برای مجموعه طبقات و اقشار جامعه.

قانون آزادی مطبوعات باید این امتیاز عمومی را بعنوان حق مسلم عمومی تضمین نموده، و بدین ترتیب قانون حمایت از آزادی مطبوعات باشد. حال آنکه طرح قانون مطبوعات، فقط نافی این حق عمومی است، و از این رو طرح قانون سانسور مطبوعات است. از طریق قانون آزادی مطبوعات، مطبوعات به آزادی خویش دست مییابد، و از طریق قانون سانسور تحت قیمومت و نظارت پلیسی قرار میگیرد. ما در طرح لایحه مزبور توسط «وزارت ارشاد ملی» پیش بینی سانسور قانونی را می بینیم، که در خود حامل تضادی است که همواره به نفع سانسور و سانسورچی حل میگردد. این قانون بر مبنای اصل امکان اشتباه و خطای نویسنده و روزنامه نگار و اصل عدم امکان اشتباه و خطای سانسورچی، پایه گذاری شده است. اصلی که مبنای مطلق گرائی و انحصارگری دولت، دولتمردان و نمایندگان نظری آنهاست. طبق تبصره ۱، ماده ۳ لایحه مطبوعات «تشخیص صلاحیت و صدور امتیاز بعهده وزارت ارشاد ملی میباشد و حتی طبق ماده ۴ «صلاحیت علمی و حرفه ای» روزنامه نگار محتاج «به تأیید وزارت ارشاد ملی» است. باین ترتیب درحالی که از مطبوعات آزاد این حق سلب میگردد که از طریق انتشار و تعدد نظرات مختلف، تبلور مجموعه کامل افکار عمومی گشته و یکدیگر را تکمیل نمایند، به سانسورچی و دستگاش این حق داده میشود که به تنهایی مالک، حافظ و حامل حقیقت مطلق بوده و

بعضی مدعی العموم مامور انضباط فکری گردند - البته با مصونیت کامل در مقابل اشتباه. با این مضمون قانون مطبوعات مطروحه قلمی را در جهت قانونی کردن مشروع حاکم و دستگاه مجری این قانون تبلور مطلق گرائی و انحصارگری و دولتمردان مذهبی، با تکیه «شخص اول روحانیت».

در حالیکه مطبوعات عملاً از نظر طبقاتی و بعنوان نمایندگان فکری طبقات مختلف و مدافعین این طبقات از یکدیگر متمایز میشوند. و لایحه مذکور آنها را بسو و سو «نیکان» و «مفسدان» یعنی به موافقت و مخالفین دولت اسلامی تقسیم کرده «مفسدان» را تحت پیگرد قانون قرار میدهد. با وجود این که حقیقت خویش را از زوایای دیدهای مختلف طبقاتی بصور مختلف متجلی میسازد طرح لایحه خواستگاه طبقاتی خورده بورژوازی (سننی) را بحقیقت مطلق بدل میکند، و از این خواستگاه خواهان مطبوعاتی است بدون تشخیص اجتماعی و دربند پیش قضاوتی و منافع مشخص این نیروی اجتماعی این قانون وسیله تحمیل اتوریته های دنیوی و «اخروی» است، وسیله جلوگیری از ابراز عقیده بطور آزاد و نافی ذات مطبوعات آزاد و انتقاد است، حکم تبعید اختلافات اجتماعی از صحنه مطبوعات است، حکم قانون «نتی طبقات» است. ولی تا زمانی که طبقات و اختلافات وجود دارند درگیریهایی طبقاتی از طریق نشریات جزو ذات مطبوعات است. قوانین سانسور نه تنها این درگیریهایی بر طرف نمیکند، بلکه این درگیریهایی از طریق سانسور و قانون آن فقط یک جانبه میگردد. از این طریق مبارزه اصولی به مبارزه منطبق بدون اصول علیه اصول منطقی تبدیل میشود. و این خواست دولتمردان است. و اما مخالفین از مبارزه علنی به مبارزه مخفی روی می آورند، پس مبارزه میماند.

اتحاد چپ

دارند چکمه ها را برقی می اندازند (۲)

فقط افشاگری دائمی می تواند واکیسها و چکمه ها را به کنام بعد از پیروزی انقلاب عقب براند

هیئت حاکمه زائیده انقلاب، در برابر خواست مصرانه مردم نسبت به «نوسازی» ارتش بر بنیادهای خلقی، بارها و بارها رسماً اعلام کرده بود که پرسنل نظامی چون از آزادی های مندرج در اعلامیه حقوق بشر برخوردارند چون در جریان ارتباط با مشی های سیاسی و فکری قرار می گیرند، چون با شرکت در مجامع سیاسی و حرکات خلقی با مردم درمی آمیزند، چون حق دارند عقاید و افکار خود را آزادانه در رسانه های گروهی و در اجتماعات عرضه دارند.... بنابراین باقی روحی سابق را که ساخت دراز مدت امپریالیسم و استبداد وابسته بود، از دست خواهند داد و به دستگاهی ملهم از مردم و برای مردم مبدل خواهند شد. بارها و بارها رسماً وعده می دادند که اجازه نخواهند داد ارتش به یک سیستم در بسته که ناگزیر محتوای ضد مردمی پیدا خواهد کرد بازگشت کند. قبل از آنکه مولود انقلاب جشن صدمین روز تولد خود را بگیرد، ما باید درسوگ این مواعید به نشینیم و با حیرت بر بازسازی مکانیزم سابق در درون «ارتش جمهوری اسلامی» نظاره کنیم. از یک سو دادگاه انقلاب با اعدام

ندارد و دیگر ارتش ایران نقش ژاندارم امریکائی را در منطقه بازی نمی کند، در چنین حالتی «بازسازی» ارتش بر کدام شالوده ای جز بر همان نهادهای «ارتش شاهنشاهی» می تواند انجام بگیرد؟ ساده لوحی است اگر تصور شود که آن نیروی یانزده هزار نفری که بقول جان کلی تربیت امریکائی دیده و گرایشی امریکائی دارند، از چنین موقعیتی برای اعمال «نمایشات امریکائی» خود استفاده نمی کنند. چه مقامی مقرر است؟ وزارت امور خارجه که سیاست عدم تعهد و الفای قرار دادهای نظامی را به شوخی گرفته است؟ یا کل هیئت حاکمه که چون ناظری بی تفاوت به تماشای این روند نابهنجار ایستاده است؟ ۳- اگر در هدایت ارتش به سوی «سیاست عدم تعهد» مصرانه دریغ می شود تا به حدی که رئیس ستاد زبان به گلایه می کشاید، در طرف دیگر، یک مقام دیگر ارتشی که در عین حال مقام استانداردی دولت را نیز به عهده دارد، بدون تأمل و اندیشه یا از دایره ای اختیارات خویش فراتر می نهد و در این وضع بس بحرانی، سخنانی بر زبان می آورد که با بافت انقلاب سازگار نیست. تیمسار مدنی در مصاحبه ی روز

مقالات

درین صفحه مقالات و نامه های از خوانندگان دوستان پیغام امروز منتشر می شود که در عین داشتن اقی مشترک با روزنامه دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل بامشی ما یکی باشد و ما به همت آزادی عقیده، این نظرهارا منتشر می کنیم.

این گونه ناسنجیده و بدون احساس مسئولیت سخن پردازی کنند. تیمسار مدنی بخشی از نهضت مقاربت فلسطین را نیز متهم می سازد که با «امپریالیسم» لاس می زند و فرصت طلبانه با امپریالیسم «هندست» می شود! اگر سیاست خارجی ما در مورد فلسطین یک ژست انقلابی نباشد این گونه اظهارات باید از طرف دولت رسماً محکوم شود.

هزار عنصر تعلیم دیده سازمانهای امنیتی امریکا وجود دارد که بدشان نمی آید در فرصت مناسب «نمایشات امریکائی» خود را نشان دهند. این طرح، صرف نظر از نیت طراح، تله ای بود بزرگ، «اوین» وسیعی بود به پهنی ایران. باید سیاست گزار زندان دیدگان و شکنجه زدگان و تجربه اندوختگانی چون طالقانی و منتظری بود که هشیارانه این خطر بالقوه را خنثی نمودند. سخن کوتاه. سیر وقایع، که نمونه های بالا قسمتی از آنهاست، و وجود روابط عینی بین این وقایع چه در سطح کشوری و چه در سطح نفوذ امپریالیسم، هر اندیشمندی را نگران می سازد. امروز دیگر نمی توان گفت «سار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می فرسد». حقیقت آن است که چکمه ها را واکس می زنند، و شادمانه آنها را برق می اندازند. فقط هشیار عمومی و افشاگری دائمی است که می تواند واکسها و چکمه ها و نیز قدره بندها را به کنام روزهای بعد از پیروزی انقلاب عقب براند.

ع. اف. مجوبیان

برای دانشگاهها ذخیره بگیرید!

دکتر پاکدامن رئیس سازمان سنجش اعلام کرد که اسامی دانشگاهها ذخیره نمیگیرند و دانشگاهها طبق آزمون سال خود اضافه دانشجوی می پذیرند.

برخورد کردن با مسائل دانشگاهی به این نحو یک برخورد ذهنی است چرا که افت هر ساله نمی تواند یک رقم دقیق باشد بسیاری از دانشجویان پس از قبول شدن در یک دانشگاه به دلایل مختلف برای ادامه تحصیل به خارج میروند. عده دیگری بعلت علاقمندی نبودن به رشته تحصیلی که در آن قبول شده اند در امتحانات اختصاصی دانشگاههای دیگر شرکت کرده و در صورت قبولی در آنجا ثبت نام می کنند.

بناظر داریم که در سال تحصیلی ۵۷-۵۶ دوازده هزار و پانصد متدلی در دانشگاهها خالی ماند و این دقیقاً به علت آن بود که دانشگاهها در آن سال ذخیره نمی گرفتند. در حالیکه هر سال هزاران نفر از جوانان این مملکت در پشت کنکور منتظر ورود به آموزش عالی هستند، آیا این منطقی است که در دانشگاهها صندلی خالی بماند. آیا این به هدر رفتن سرمایه گذاری و انرژی نهفته در آموزش عالی نیست.

حتی اگر دانشگاهها افت هر ساله خود را اعلام کنند باز هم نمیتوانند مطمئن باشند که در پاییز اسامی همه صندلیها پر باشد.

انتظار ما آن بود که پس از انقلاب، شیوه ای انقلابی در مورد کنکور اتخاذ شود و این آنکه بکلی لغو پذیرش دانشجوی به دانشگاهها سپرده شود.

انتظار ما آن بود که حداقل در شیوه طرح ستونها دگرگونی ایجاد شود... اما هیچکدام از این انتظارات به ثمر نرسید و کنکور راه پارسال خود را دنبال می کند.

آقایان! این کوچکترین کاری است که می توانید در حق داوطلبان انجام دهید «برای دانشگاهها ذخیره بگیرید.»

بعلت کمبود بودجه

دانشکده های برق، الکترونیک و متالورژی در دانشگاه جندی شاپور منحل شد

مشکلات دانشگاههای منطقه ای بعلت تمرکز که همواره در زمینه های حاکم بر جامعه ایران وجود داشته، بیش از مشکلات دانشگاه های تهران است و شاید تنها زمانی این تمرکز از بین برود که به کلیه خلیقهای ایران خود بخاری داده شود تا آنها مستقلاً در امور داخلی خود تصمیم بگیرند و تحلیلات آن نیز در دانشگاهها به چشم بخورد. دکتر شهروان عضو هیئت علمی دانشگاه جندی شاپور در مورد مشکلات این دانشگاه به خبرنگاران پیشام آموز گفت: «یکی از مشکلات عمده دانشگاه ما مشکل مالی است. همانطور که میدانید در زمان رژیم پهلوی یکسری دانشکده های نمایشی ساخته شد و همچنین بالطبع یکسری کادر استخدام شد. در دانشگاه ما نیز ناگهان در سال گذشته ۲۵ درصد به کادر علمی اضافه شد یعنی از ۴۰۰ نفر به ۵۰۰ نفر رسید و در نتیجه بودجه ای که به دانشگاه اختصاص داده شده تا کافی است و در عین حال بعضی از همین دانشکده ها کادر علمی کافی ندارند. بنابراین نه امکان استخدام کادر جدید برای برآوردن دانشکده ها و نه خریدن وسایل آموزشی وجود دارد. حتی مجبور به انحلال چند دانشکده از جمله برق الکترونیک و متالورژی شدیم. در مورد دانشجویان این رشته ها نیز تلاش می کنیم که آنها را به دانشگاههای دیگر منتقل کنیم. مشکلی که در این مورد وجود دارد بر بودن سهمیه آنهاست. ما مجبوریم از سهمیه دانشجویی سال آینده آنها استفاده کرده و دانشجویان خود را منتقل کنیم. از دیگر مشکلات انسانی ماحور بودن از مرکز است. چون در شهر اهواز هیچگونه اسبجام بین

گروه های مختلف جامعه شهری وجود ندارد، کمتر کسی حاضر به انجام خدمت و تدریس در آنست اکثر کسانی که می آیند چند سالی بخاطر در آوردن پول بیشتر، میمانند و سپس به زادگاه خود برمی گردند.

بنظر من برای حل مسائل جامعه اهواز، دولت نه تنها دانشگاه اهواز بلکه دانشگاههای مناطق دیگر را نیز باید توسعه بدهد. دانشگاه اهواز ۸۰ درصد سهمیه خود را از مناطق خوزستان و لرستان می گیرد.

اصولاً شهرستانها نسبت به تهران از همه لحاظ، از جهت مبارزاتی، فرهنگی و روح خلاقیت پایین تر است.

علت آن نیز تمرکز قدرت و تصمیم گیری در تهران است که مجبور به فراهم آوردن حداقل یک سری نیازمندیهای قشر بورژواکراتیک است، مثل سینما، تئاتر و... خوزستان فاقد اینهاست حتی یک تئاتر و مرکز فرهنگی در آن وجود ندارد.

وی علت وجود این مسائل را اینگونه توضیح میدهد: «بعلت اینکه هر کس که به اهواز می آید، در جهت بدست آوردن درآمد تلاش میکند. بین قشرهای مختلف رابطه ای موجود نیست و افراد خودشان را مثلاً پس از ۱۰ سال زندگی در آنجا اهوازی نمی دانند. و این یکی از دلایل اساسی برای پایین بودن سطح فرهنگ جامعه است. چون هیچ رابطه ای موجود نیست و همه به هم فقط سرریس میدهند. خودشان را غریبه احساس می کنند.

به هر حال بنظر من باید در دانشگاههای منطقه ای سرمایه گذاری بیشتر شود تا دانشگاههای مناطق بتوانند نیازها را برآورده کنند.

مجمع موسسان کانون زندانیان سیاسی (ضد امپریالیست و ضد ارتجاع داخلی) ایران برای گزینش اعضای شورای عالی روز پنجشنبه برگزار شد. در این جلسه نخست بیانیه کانون توسط یکی از اعضای موسس خوانده شد. در این بیانیه آمده است:

کانون زندانیان سیاسی (ضد امپریالیست و ضد ارتجاع) ایران با در نظر گرفتن وقایع و رویدادهای چند ماه اخیر و درک ضرورت مبارزه بی اسمان و همه جانبه بر علیه حملات سازمان یافته امپریالیسم بین المللی و ارتجاع داخلی به خلقهای قهرمان ایران موارد زیر را تجلی چنین حملاتی دانسته آنها قویاً محکوم می نماید.

۱- اقدام به آغاز جنگ داخلی و قتل و غارت و غارتگری در ایران در سنج، گنبد، نقه و گرمشهر.

۲- حضور و فعالیت ارتش مزدوران قیاده موقت و داردمتد پالیزبان در کردستان به منظور دفاع و حمایت از خانها و فئودالهای ارتجاعی و سرکوب و چپاول خلق کرد.

۳- دستگیری، آزار و شکنجه زندانیان مبارز سیاسی سابق و ایجاد تضيیقات گوناگون در مورد اشتغال بکار ایشان.

۴- دستگیری وسیع مبارزان و آزادیخواهان در جنوب کشور منجمله برخی ازگردانندگان اعتصابات پرشکوه صنعت نفت در

۲۱ عضو شورای عالی کانون زندانیان سیاسی انتخاب شدند بیانیه کانون: دستگیری و شکنجه مبارزان و آزادیخواهان در حقیقت سرکوبی عناصر مترقی و مستحکم کردن مواضع ارتجاع است

۸ - حملات سازمان یافته به گردهمایی ها و تظاهرات مسالمت آمیز نیروهای مترقی و نیز به مطبوعات و کتابفروشیها و غیره.

ما ضمن هشدار به عوامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی از کلیه آزادیخواهان و نیروهای مترقی و رهبران معرأ می خواهیم با درهم فشردن صفوف خود و با بسیج همه خلقهای انقلابی ایران با تمام قوا علیه این اقدامات مذموبحانه عوامل امپریالیسم مبارزه نموده و این وسائل و توطئه های ضد انقلاب را خنثی نمایند.

ضمناً از کلیه رهبران سیاسی و مذهبی و مسئولین امر خصوصاً حضرت آیت الله خمینی می خواهیم تا در مسائل فوق منجمله حضور و فعالیت قیاده موقت در ایران و نیز اعمال شکنجه و تضيیقات گوناگون بر مبارزان و مجاهدین راه آزادی ایران صراحتاً نظر خود

دوران حاکمیت ارتجاع سابق به اتهامات واهی و نفاق افکنانه در حقیقت بمنظور سرکوبی عناصر مترقی و مستحکم کردن مواضع ارتجاع.

۵- دستگیری و شکنجه محدرضا ساداتی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و انتشار گزارشات ساختگی در باره بازجویی های او که حکایت از اعمال همان روشهای متفور ساواک منحل را دارد.

۶- دستگیری و شکنجه حماد شیبانی عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سکوت طولانی مسئولین امور رهبران در این مورد که موجب تعجب است. مضاف بر اینکه محمد رضا ساداتی و حماد شیبانی از مدتها قبل در اعتصاب غذا بسر میبردند و حال هر دو آنها وخیم است.

۷- دستگیری ۹ نفر از اعضای گروه سوسیالیست

را اعلام دارند. انتخابات سپس ۱۰ نفر به عنوان هیئت نظارت برای گیری انتخاب شدند. شمارش آرا تا پاسی از شب ادامه داشت و اساسی ۲۱ نفر اعضای شورای عالی کانون به ترتیب آراء چنین اعلام شد:

ناصر کاغاساز - شکرالله پاک نژاد دکتر علی شایگان - عباس نصیلت کلام - علی توسلی - علی مهدی زاده - صدیقه صرافت - اشرف میرهاشمی - مجید ضیائی - حسین امین الهی - عاطفه جعفری - فرهنگ رکنی - عطاه الله نوریان - محمد رضازاده - مهدی حاجی قاضی حسین زوین - ایرج کهرانی یحیی حسینی - علی پورصفر - مهدی مقدس زاده - شیخ مصطفی رهنا اساسی ۱۰ نفر اعضای علی البدل عبارت است از:

باقرمدی - محمود اعتمادزاده فریدون تکایانی - محمد جعفر هنریار ابراهیم دل افسرده - حبیب الله فضل الهی - علی اشرف شجاعیان مصطفی راستگردانی - ایرج واحدی پور - ابراهیم هاشم زاده در پایان جلسه ناصر کاغاساز یکی از زندانیان مبارز که پسا ۵۱۹ رای بیشترین آراء را بدست آورده است به خبرنگار ما گفت: با آنکه بسیار مایلیم در کانون زندانیان سیاسی فعالیت داشته باشیم اما بعلت بیماری و مشغله زیاد مشاقتانه نمی توانم در شورای عالی کانون شرکت کنم.

نقد فیلم «شب روی شیلی»

فیلسازان می خواهند کودتای پینوشه را به نمایش بگذارند، چگونه منجر به ایجاد زمینه مساعد برای کودتا شده، چرا با وجود یک رژیم و قوی یافته و چه عواملی در پیروزی آن نقش داشته قادر خواهند بود کودتا را به ما نشان دهند؟ ما فقط از دهان یکی از افراد فیلم می شنویم که «کودتا نتیجه بحران... بوده» اما از اینکه بحران چه بوده، و چگونه منجر به ایجاد زمینه برای کودتا شده، چرا با وجود یک رژیم که ادعای مارکسیست بودن داشت، بحرانی با آن وسعت گریبانگیر شیلی شده؟ و به چه جهت آنده قادر به مبارزه با بحران نگشته و کدام طبقات و چگونه از بحران سود برده اند، هیچ چیز در نمی یابیم.

از تجدید نظر طلبی تا فاشیسم (۲)

فیلم شب روی شیلی، همان نقطه نظر انحرافی فیلسازان آفست. فیلسازان دولتی این بار هم در خدمت اهداف دولت ضد مارکسیست. لنینیست خود درآمده تا بر کتافکاری تاریخی ترهای منحرف خویش سرویش نهند.

علیرغم ظاهر مستندگونه فیلم که به یمن وجود مستندساز خدمتگزار به چشم می خورد، «شب روی شیلی» حاصل پیامهای زیرکانه ایست که جز خدمت به اهداف اربابان هدف دیگری ندارد. به صحنه ای در استادیوم توجه کنید:

کشیش بازداشت شده می پرسد: اگر کودتا را حتمی زده بودید چرا اقدام نکردید؟

خوان کارگر کمونیست (!) استدلال میکند: ما همه چیز را از قبل باخته بودیم چون طبقه کارگر از طبقه متوسط جدا شده بود، در واقع آنها از ما جدا شده بودند.

کشیش می پرسد: این وظیفه شماست که ادعا میکنید دارای جهان بینی علمی هستید بود که از گسستگی پیوند جلوگیری کنید و یکی دیگر از کارگران کمونیست جواب میدهد: آنها مسخ شده بودند و استدلال میکند وسایل ارتباطی جمعی در دست مسخ شدگان و یا ضد انقلابیون بود !!

و خوان پس از ادای جمله پر طعناق «به مبارزه طبقاتی، ما پیش از اندازه کم بهاداده و به سیستم دمکراتیک! معتقد بودیم» استدلال میکند که گاهی شکست است و گاهی پیروزی و در برابر این سؤال کشیش که دوباره می خواهد چکار کنید؟ پاسخ میدهد: ملت را انتخاب کرده بهترین راه اتحاد است... و ما اول باید لیست کشته شدگان را به نماینده صلیب سرش بدهیم!!

این دیگر عین رذالت است. اشاعه رویزیونیسم در عریان ترین چهره آن و درست آنگاه که باید از شکستی مفتضحانه درس آموخت.

ادامه دارد

در صحنه کاراز هم مابطور بسیار مصنوعی و گذرا رابطه آمریکا و کودتاچیان را احساس می کنیم، زنی با افسر شیلیایی و چند سرباز وارد می شوند و اتومبیلی را که برای تعمیر داده شده بود می خواهند، وقتی مکانیک می پرسد برای من مسئولیت ندارد؟ افسر می گوید بگو مال سفارت آمریکاست. می بینید تماشاگر به نقش آمریکا در کودتا فقط فقط به همین صورت اهلانه و پرتمنع پی می برد، نه آنکه روابط اقتصادی - اجتماعی و طبقاتی کودتاچیان را با امپریالیسم آمریکا بشناسد و بطور ریشه ای پی به این روابط ببرد، چرا که در صورت نشان دادن چنین رابطه ای تازه برای تماشاگر سؤال پیش می آمد چگونه در پی استقرار یک حکومت ضد امپریالیستی که وظیفه آن مبارزه مستقیم با اساس این چنین پیوندهای طبقاتی و اجتماعی بوده باز کماکان آنان امکان عمل یافته و سرکوب نشده اند؟

عدم توجه به علل عینی وقایع ابعادی گسترده در فیلم دارد و به تعبیری در سراسر فیلم چنین روش متافیزیکی بکار گرفته شده است. تماشاگر در صحنه های متعدد شاهد دستگیری های دستجمعی است، او که پیشاپیش شاهد یک کودتای خلق الساعه! بوده از خود می پرسد چرا در مقابل کودتاچیان مقاومتی انقلابی و سازمان یافته و توده ای دیده نمی شود؟ چرا در برابر قهر کودتاچیان ضد خلقی، قهر انقلابی و خلقی بروز نمی کند؟ اما برای چنین واقعیتی هم هیچ دلیلی ذکر نمی شود.

در سراسر فیلم تنها چند عکس العمل غیر قهرآمیز در حد پخش اعلامیه وجود دارد، و انقلابیون! هم همان فعالین اتحادیه کارگری و کسانی هستند که در ارتباط با این نوع مبارزه اکونومیستی بودند، تماشاگر بارها شاهد دستگیری دستجمعی است و حق دارد بپرسد، تحت چه شرایطی و چرا یک حزب با اصطلاح مارکسیستی دارای سازماندهی این چنین خودبخودی، غیر انقلابی و در هم پاشیده بود که دسته - دسته از فعالین و انقلابیون و حتی مردمی که تا حد داشتن

طبقه کارگر و بحران بیکاری

۳- هرچه سرمایه‌داران قدرتمندتر میگردند، بهمان نسبت تولید و بازار را بانحصار خود درمیآورند، تولیدکنندگان کوچک که قادر به رقابت با آنها نیستند ورشکست شده، خیل بیکاران را متورم میسازند.

واقعیت فوق نشانگر این است که در واقع عطف انباشت سرمایه و کسب سود سرمایه‌داران، موجب بیکاری و گرسنگی و تشدید استثمار زحمت‌سازان گردیده‌است. همین‌انگیزه سودجویی است که بحرانهای وسیعی ایجاد شده، افزایش بیکاری، ورشکستگی، تلف کردن عمدی کالا و ماشین‌آلات و تاسیسات را سبب میشود و سرمایه‌داران برای بالانگهداشتن قیمت محصولات، حتی کارخانه‌ها را نابود می‌کنند. سرمایه‌داری در مرحله تباهی، فساد و پوسیدگی خود یعنی در شرایط انحصاری (امپریالیستی) از آنجا که سود هنگفت خویش را با بالانگهداشتن قیمت‌ها یعنی در محدود کردن تولید می‌یابد، گرایش به رکود داشته، بطوریکه انحصارات، اختراعات تازه را نه برای استفاده بلکه برای جلوگیری از استفاده آنها خریداری میکند. این امر طبیعتاً بیکاری را افزایش داده، فقر و گرسنگی، بازمغان می‌آورد. تصور کنید کشوری را که تحت سلطه امپریالیسم باشد، کشوری را که اقتصادش و بنا بر این سیاست و فرهنگش بازیچه اراده امپریالیسم است، یا خصوصیتی که از سرمایه‌داری و بخصوص سرمایه‌داری سلطه‌جویانه میدانیم باید انتظار داشت که بیکاری در یک کشور تحت سلطه بصورت یک آفت ملی درآید. چرا که امپریالیسم از سلطه خود جز حفظ بازار و کسب بازارهای بهتر، استفاده از نیروی کار ارزان، دسترسی بیشتر و مؤثرتر به مواد خام و بالاخره کسب سود کلان هدفی ندارد. امپریالیسم با تحمیل یک رشته‌خاص اقتصادی در جهت بهره‌برداری بیشتر خود، صنعت و کشاورزی کشور تحت سلطه را نابود و از آن بعنوان بازاری برای محصولات خود استفاده میکند.

مشخص است که در کشورهای وابسته، تنها با نابودی چنین سیستم اقتصادی است که میتوان مشکل بیکاری و هزاران مشکل دیگر ناشی از آنرا حل کرد. بنابراین مالکیت خصوصی که اساس تولید سرمایه‌داری است می‌باید به مالکیت اجتماعی زحمتکش‌ان بدل گردد. اما چگونه میتوان به این امر خطیر صورت واقعیت داد؟

چگونه میتوان مسئله بیکاری را حل نمود؟ از آنجا که وجود خیل بیکاران در جهت منافع سرمایه‌دار و وسیله استثمار بیشتر کارگران است دولت سرمایه‌داران هیچگاه اقدامی در جهت حل این مسئله نخواهد کرد. آن نیرویی که واقعا خواستار حل هرچه سریع‌تر مشکل بیکاری است همان طبقه کارگر و به‌طور کلی زحمتکش‌انند، بنابراین تنها دولت کارگری که نماینده تمام اقشار خلق باشد میتواند و میخواهد در جهت خواسته‌های زحمتکش حرکت نماید. تنها پروتاریا مبارزی پیگیر علیه ستم امپریالیسم و تنها اوست که میتواند این مبارزه را به پیروزی رساند و نه از طریق شیوه تولید سرمایه‌داری که مبتنی بر مالکیت خصوصی اقلیتی است بلکه بر اساس مالکیت جمعی وسایل تولید. بدین سبب حیرت‌انگیز نیست که در جهان هر روز اقشار وسیعی تحقق خواسته‌های خود را در سوسیالیسم، سیستم مبتنی بر مالکیت جمعی وسایل تولید، یافته در آن راه گام بر میدارند. در این جهت کافیست طبقه کارگر متشکل گردد تا به رهبری حزب مستقل خود، با گام‌های استوار به انقلاب دمکراتیک تحقق بخشد و راه را بسوی سوسیالیسم بگشاید.

هسته رزم در راه رهایی طبقه کارگر، که در بلوچستان فعالیت دارد مطلبی درباره «بحران بیکاری» در ایران نوشته که طی آن مسئله بیکاری را تحلیل کرده است. از آن جهت که مسئله بیکاری مشکل کنونی بسیاری از کارگران است و تاکنون راه‌های انحرافی برای رفع بحران بیکاری ارائه شده‌است، برای آگاهی کارگران از چگونگی حل قطعی مشکل بیکاری، صین این تحلیل را نقل میکنیم:

تصن‌ها و راهیمنائی‌های کارگران بیکار که براساس آمارهای رسمی بالغ بر ۳۵ میلیون نفر می‌باشند هر روز در سراسر ایران خصوصاً در شهرهای صنعتی بگونه‌ای ادامه یافته در مطبوعات انعکاس می‌یابد.

دیکتاتوری پنجاه‌ساله مزدوران شاه که هرگونه حق‌طلبی را بشدت سرکوب میکرد اجازه آشکار شدن مسئله حادی چون بیکاری را نمیداد. اکنون که ظاهراً طومار دیکتاتوری درهم پیچیده شده‌این مشکل که جریان مبارزات خلق نیز به آن دامن زده و کارگران بسیاری صرفاً بخاطر مبارزه با رژیم پهلوی، از کار برکنار شده‌اند، در مقیاس وسیعی مطرح و دولت‌موقت انقلابی خود را موظف به حل آن می‌یابد. آیا انتظار حل این مسئله را میتوان داشت یا نه؟ این مسوالی است که تنها در صورت برخورد علمی به مسئله بیکاری میتوان بدان پاسخ گفت. بررسی این مسئله در جهت حل آن و شناخت شرایطی که بیکاری را سبب میشود ضرورتی فوری یافته‌است. در بیان مفهوم گسترده بیکاری و علل آن بطور کلی باید گفت توده‌ای از کارگران هستند که گاهی در تولید جذب و زمانی به خارج از تولید رانده میشوند بطوری که همیشه تعدادی بیکار وجود دارد. هنگامی که موسسات تولید جدید شروع به کار می‌کنند، آنان بیکار مشغول و وقتی تولید کم شود، یا اینکه ماشین‌های تازه‌ای مورد استفاده قرار گیرد یا موسسات تولیدی تعطیل شوند، و غیره این کارگران بیکار می‌گردند. این شکل بیکاری رایج‌ترین نوع در شهرها و مراکز صنعتی است. توده‌های فقیر روستایی نیز که برای امرار معاش ناچارند نیروی کار خود را بفروشند در شهر به خیل بیکاران افزوده میشوند. بخصوص هنگامیکه سرمایه‌داران کشت زمینهای خود را مکانیزه می‌نمایند.

کارگرانی نیز هستند که کارمنظم و مرتبی ندارند. فعله‌ها و کسانیکه در صنایع بومی بکار مشغولند از این زمره‌اند سطح زندگی این کارگران بطور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح متوسط طبقه کارگر بطور کلی قرار دارد.

بنابراین میتوان گفت بطور عمده در جریان رشد و گسترش صنعت و کشاورزی براساس مالکیت خصوصی و با انگیزه سود، استفاده از ماشین‌ها و تجهیزات و افزایش برود گسترده‌تر و بهمان نسبت از نیروی کار کارگران کمتر استفاده میشود و در نتیجه بیکاری بوجود می‌آید، گذشته از آن سرمایه‌داران به تبعیت از انگیزه سودجویی خود به‌طور مختلف به رشد بیکاری دامن می‌زند از آن جمله‌اند:

- ۱- سرمایه‌داران از موجودیت خیل بیکار سود برده و آفاترا که سرگرم کارند و اادار می‌سازند که کار دو یا سه کارگر را انجام دهند چرا که هنگامیکه در یک کشور بیکار زیاد باشد سرمایه‌دار میتواند کارگزارانش را تمهید به اخراج کند، مردها را پائین‌آورده و یه شدت کار بیفزاید یعنی تشدید استثمار را فراهم آورد.
- ۲- ابداعات فنی و ساده‌شدن عملیات کار، استفاده از زنان و خردسالان را که به آنها کمتر مزد پرداخت میشود، ممکن ساخته و کارگران مرد بالغ را که قبلاً مشغول بکار بودند بیرون میرانند.

مقایله شهرداری با بساطی‌های جلوی دانشگاه تهران

شهرداری نباید به شیوه سابق عمل کند

شهرداری تهران چندین روز است به فکر جمع کردن دکه‌های شهر و بویژه دکه‌های جلوی دانشگاه تهران افتاده است. این اقدام شهرداری که به بهانه زیباسازی شهر انجام می‌گیرد، مسائلی را مطرح کرده است که از آن نمی‌توان سرسری گذشت.

دولت ورژیم ضد خلقی گذشته در جهت تامین منافع خود بطور همه‌جانبه عمل می‌کرد و سعی داشت با اعمال فشار و روزه در هزینه حداکثر سود را ببرد. دکه‌ها و بساطی‌های مختلف شهر تهران نیز همواره مورد هجوم شهرداری منصوب دولت گذشته بودند. وضعیت رژیم گذشته ایجاب می‌کرد از سویی برای اخذ عوارض مختلف و مالیات و دیگر درآمدها به مغازه‌های رسمی و پروانه‌دار دل بندد نه به فروشندگان دوره‌گرد و دستفروش. از سویی دیگر برای حفظ سلطه ترکز یافته خود به مشتریان رسمی و مطیع احتیاج داشت تا به کانونهای پراکنده و خارج از کنترل دولت و عجیب است شهرداری اعمال خود را زیر سرپوشهای یظاهر زیبا و فریبنده مانند «زیبا سازی شهر» - مبارزه با سدمعبر و غیره - انجام می‌داد موضوع اختلاف بساط فروشها و شهرداری ریشه‌های با سابقه و متعددی دارد که شهرداری برای اعمال نظرات خود پاره‌دست به دامن نیروی سرکوبگر شهر بانی و پلیس می‌گشت.

ترغیب و تحریک شهرداری از طرف صاحبان مغازه و به عبارت دیگر صاحبان سرمایه یک دلیل دیگری می‌شد تا شهرداری روی نظرات خود تاکید بیشتری کند و غالباً موفق هم بود.

موفقیت وی تا حدودی هم مربوط به ناآگاهی مردم از حقوق خود و نبودن زمینه عمل مشترک بود. که در حال حاضر نه مردم در وضعیت گذشته هستند و نه از شهرداری فعلی انتظار رفتار مشابه رفتار شهرداری گذشته را دارند.

دانشگاه تهران که در جریان انقلاب بصورت کانون



کارگری

کارگران چاپخانه کورش خواستار افزایش دستمزدند

کارگران چاپخانه کورش در نامه‌ای که برای ما فرستاده‌اند ضمن اعتراض به میزان دستمزد کارگران خواسته‌های خود را از خسرو بشارت صاحب چاپخانه اعلام کرده‌اند. کارگران طی این نامه نوشته‌اند:

«چند ماه از انقلاب خونین زحمتکشان میگذرد کارگران در این چند ماه با وجود گرانی زیاد حقوق کارگران ثابت مانده و کارگران چاپخانه کورش که از حداقل حقوق معیشت برخوردار نبوده هیچ‌فرقی را بعد از انقلاب در وضع خود مشاهده ننموده و با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور و تورم بیش‌از حد امکان ادامه این وضع را بر ایمان غیر ممکن ساخته است.

لذا خواسته‌های برحقمان را که سالیهای متعددی از آن محروم

سندیکای جوشکاران تشکیل شد

عصر روز جمعه کارگران جوشکار برای انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرس سندیکای جوشکاران، در خانه کارگر جمع گشته و در حضور نماینده وزارت کار، آراء خود را به صندوق‌شمارش ریختند. قبل از شروع مراسم انتخابات، کسانیکه برای نمایندگی، اسم نویسی کرده بودند، خود را معرفی کرده و هدفهای تشکیل سندیکا و شرایط نمایندگی را برای کارگران بازگفتند.

کارگری ضمن معرفی خود گفت: تجربه کاری، نشان داده است تا زمانیکه از نیروهای متحد در تشکیلات منظم برخوردار نباشیم نمی‌توانیم حقوق خود را از کارفرما بگیریم. برای ایستادگی در مقابل سرمایه‌داران لازم است که ما سندیکائی داشته باشیم تا از حقوق کارگران دفاع کند. اگر اعضای این سندیکا بیشتر و فعالتر و آگاه‌تر باشند به همان اندازه سندیکادر کسب‌حقوق صنفی کارگران موفق خواهد شد. اولین اقدام ما تحت این

وقفس مانند محل زندگی ما زشتیهای شهر تهران هستند. نه بساط‌های جلو دانشگاه تهران.

در مقابل جمعی از کتابفروشیها به آنها گفته‌اند که ما بعداً فکری به‌حال شما می‌کنیم. کتابفروشیها جواب داده‌اند، شما بهتر بود قبل از جمع کردن بساطهای ما چاره‌ای می‌کردید بعد دست به‌کار می‌شدید.

● کتابفروشیها راه‌حل مقابله با این اقدام شهرداری را در جمع و اتحادشان دانسته‌اند و به همین خاطر است که در صدد تاسیس تشکیلات صنفی خود هستند و طرح‌هایی هم در زمینه تاسیس دکه‌های استاندارد دریک محل معین به شهرداری تحویل داده‌اند. اما هنوز پاسخی دریافت نکرده‌اند.

برای برخی از کتابفروشیها موضوع از زاویه دیگری هم مطرح است یکی از این کتابفروشیها می‌گفت: «کار ما چیست، آیا جنس نامشروعی می‌فروشیم یا واسطه انتقال دانشهای انسانی و اجتماعی هستیم شایسته است؟ دولت انقلابی بجای حمایت از ما اشاعه دهندگان فرهنگ، سنگ جلوی پایمان بیاندازد. اگر حسن‌نیتی در کار هست چگونه قبل از چاره اندیشی مفید و اجرائی طرح فترقی در صدد تخریب برآمده‌اند. شاید نیتی در جهت محدود کردن نش کتاب از طرف برخی عناصر ارتجاعی در کار باشد. اگر فرضی از طرف برخی عناصر ارتجاعی در کار باشد. اگر چنین فرضی درست باشد باید منتظر حملات عریانتر و آشکار دیگری باشیم.

- ۱- افزایش دستمزد کارگران به نسبت بالا رفتن هزینه زندگی
- ۲- پرداخت حق مسکن - اولاد - حق خواربار
- ۳- ۱۵٪ اضافه دستمزد طبق توافق کلیه کارگران و کارفرمایان در مهرماه ۵۷
- ۴- سود ویژه یکسان کارگران
- ۵- رسیدگی به وضع کارگران
- ۶- با توجه به نوع کار چاپخانه باید روزانه يك شب شیر یاستوریزه برای جلوگیری از بیماری‌سل در اختیار کارگران قرار گیرد
- کارگران در پایان نامه خود برای خواسته‌هایشان یکماه به کارفرما مهلت داده‌اند و اعلام کرده‌اند که در غیر اینصورت دست از کار دست خواهند کشید.

شرایط موضوع تامین اشتغال خواهد بود تا مسئله بیکاری کارگران را تا حدودی حل کند. کارگران دیگر هم با همکاری کردن اعمال انفرادی کارگران برای گرفتن حقوق خویش کارفرما که همواره با شکست مواجه می‌شدند، نتیجه گرفتند که تنها اتحاد و تشکیلات است که میتواند حقوق کارگران را تامین کند و به همین سبب باید برای خود نمایندگانی انتخاب کنند که آمادگی مقابله با کارشکنی‌های کارفرما را داشته باشد.

آنگاه آکارگری به نیروی کارگران در گرفتن حق خود از بین بردن فاصله طبقاتی اشار کرد. در پایان سخنرانیها و معرفی کاندیدها، کارگران با اظنه خاصی، آراء مخفی خود را به صندوق ریختند و به مراسم در حضور نماینده وزارت کار بعد از شمارش نام افراد انتخاب شده، اعلام گشت.

قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

پیغام امروز از صاحب نظران برای بیان نظر متن طرح شده قانون اساسی دعوت می

این چگونه منطق لنگی است که حرف را تا وقتی شما بگویید و منطقی خواهی و اسلام دوستی است و لا دیگران بزنند معنای ضمیمت با انقلاب بخود میگیرد آیا برای تدوین و تصویب طرحی که رونوشت دستکاری شده قانون اساسی یک جمهوری غربی است فقط مجتهدان و فقها صاحب نظراند

● در مراسم پیروزی روز قزوین در جبهه دموکراتیک درباره مجلس موسسان خوانده شود

اما با بیهم خوردن میتینگ، میزان برای چاپ در اختیار مبعوث قرار گرفت. در این متن پیشنهاد شده است: به جای توصیه مجلس یا مجسمی کم نماینده با ملت نامحدود، مجلس مؤسسانی نماینده با وقت محدود، تشکیل شود. در این متن همچنین آمده است: «دارد که نگرانی عمیق خود را از نحوه برخورد عده ای از مومنان که امروز در مواضع دولت نشسته اند و از آن جایگاه بر نظریات مخالف خود بی محابا پوری می آورند بیان کنیم. ما در نگرانیهای مردم

میباشان چه آنهایی که از بدرازا کشیدن کار تدوین قانون اساسی و چه آنهایی که از به عمل بر گزار کردن کار آن آشفته خیالند شریک و همسایم هستیم.

ما هم آرزو مندیم و بخاطر آن سخت خواهیم کوشید که هر چه زودتر به قانون اساسی مطلوب و مناسبی با روح انقلاب آزادی بخش و شکوه مند ایران دست یابیم ولی نمیتوانیم ناظر بی تفاوت پورشهای

این نشانه بی تحملی و ناتوانی در برخورد عادلانه با نظرات دیگران است، که بر کسانی، چون حرف چند روز پیش ما را از سخن امروزمان درست تر تشخیص داده اند انگ و رنگ توطئه گری بزنیم.

این چگونه منطق لنگی است که حرف را تا وقتی که شما بگویید عین وطن خواهی و اسلام دوستی باشد و تا دیگران بزنند معنای ضمیمت با انقلاب خود دیگرید؟

بگوش جان شنیده و بکار بسته ایم. اینک شاید وقت آن رسیده باشد که کمی هم بخودیها نصیحت کنید.

بیبوده نیست که همراه با اوج گیری گرایشهای انحصار طلبانه مجلس موسسانی که از روز نخست وعده میشد یکباره جای خود را به مجمع خبرگان میدهد و در تفسیرهای رسمی و غیر رسمی «خبره» بصورت مجتهد جامع

«پارهنه ها» را بر سر معترضان میکوبند، اما آنجا که دقیقا صحبت از حق مردم و دخالت هر چه وسیع تر آنان در تعیین سرنوشت خویش است بیه معیار «خبره» بودن حق اظهار نظر را نه تنها از توده های مردم بلکه حتی از کارشناسان امور حقوقی و قانونی سلب میکنند.

خطر جنک داخلی
قبول تدوین قانون بوسیله

تبعیت از قانونی که در تدوین آن هیچگونه سهمی نداشته اند نخواهد داشت. چنین فضای محیط مطلوب برای رشد نطفه نافرمانی است که با تحریک و دسیسه امپریالیسم ممکن است خیلی زود، خفگی زودتر از آنچه شما تصور میکنید، به جبهه بندی خشن و جنک داخلی بیانجامد. وظیفه مادر این لحظه تاریخی است که چشم انداز موحش این انحصار طلبی لجوجانه را به مردم و به دولت بنمایانیم.

در قسمتی دیگر از اعلامیه میخوانیم: ما همزمان با این درخواست پیشنهاد میکنیم که مدت رایزنی چنین مجلس موسسان پرنماینده ای به چند ماه کار مداوم تمام وقت محدود شود تا نگرانی همه وطن پرستان ایران از بدرازا کشیدن کار تدوین قانون اساسی رفع گردد. به سخن دیگر ما به جای توصیه مجلس یا مجسمی کم نماینده با وقت نامحدود رایزنی مجلس موسسانی را پرنماینده با وقت محدود رایزنی پیشنهاد میکنیم و میخواهیم.

ما عمیقاً معتقدیم، حق مشارکت و اظهار نظر اقلیتها، و ملیت باخاطر رعایت اصل حق حاکمیت خدشه ناپذیر همه مردم در تعیین سرنوشتشان باید بی چون و چررا رعایت شود.

پیشنهاد جبهه دموکراتیک ملی به دولت برای رسیدگی به قانون اساسی جای یک مجلس کم نماینده با وقت نامحدود، یک مجلس واقعی با وقت محدود تشکیل دهید

تدوین قانون وسیله یک مجمع کوچک به منزله قبول محیط رشد نافرمانی است

ما عمیقاً از این نحوه برخورد عده ای از هم میباشانمان با مسائل امروز کشور نگران هستیم چنین شیوه هائی، جز در جهت عمیق تر کردن شکاف و دوگانگی هایمان همین پرستان ایرانی نیست. از این رهگذر تنها امپریالیسم و قره نوکران بومی آنان سود میبرند و لایغر.

ما پاره ای از نصایح شمارا

بی بروائی باشیم که هر رزمندگان راه آزادی و استقلال ایران میرود تنها به این خاطر که همان حرف و سخنی را میگویند و از همان پیشنهاد و فکری دفاع میکنند که در ماههای گذشته بارها و بارها بر زبان حضرت آیت العظمی خمینی جاری شده، و در فرمان نخست وزیر آقای مهتدس بازرگان به خط و دست ایشان رقم زده شده است.

ما عمیقاً از این نحوه برخورد عده ای از هم میباشانمان با مسائل امروز کشور نگران هستیم چنین شیوه هائی، جز در جهت عمیق تر کردن شکاف و دوگانگی هایمان همین پرستان ایرانی نیست. از این رهگذر تنها امپریالیسم و قره نوکران بومی آنان سود میبرند و لایغر.

ما پاره ای از نصایح شمارا

بررسی متن پیشنهادی قانون اساسی (۳)

از: جمعیت آزادی

در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد... چه معنا دارد؟

آزادی مطبوعات :

این چنین است اصل ۲۵ «متن پیشنهادی» درباره آزادی مطبوعات. در این اصل نیز فرمول بندی کلی «... توهین به شعایر دینی...» آمده است. آیا طرح مسائل مربوط به ماتریالیسم دیالکتیک، طرح و توضیح این اصل که «وحدت جهان در مادی بودن آنست» مبارزه با خرافات مذهبی و ایجاد محیطی سالم برای طرح مسائل مربوط به ماتریالیسم و ایده آلیسم «توهین به شعایر دینی» است؟ مشکل بتوان با الفاظ طرح پیشنهادی روشن ساخت که حد و حدود آزادیهای سیاسی چیست؟ در مورد زنان وضع از این بدتر و ناروشنتر است. در کنار اصل ۲۲ که تساوی مرد و زن در برابر قانون را تصریح میکند. در فصل اول - اصول کلی - اصل ۱۲ می- خوانیم: «از آنجا که تربیت فرزندان با پدر و مادر و در دوران کودکی بیشتر با مادر است... این چه حکمی است پنخ مردان که چون زنان باردار میشوند و کودک میزایند «تربیت فرزندان... در دوران کودکی بیشتر با مادر است...» و در نتیجه مسئولیت نیز بیشتر با مادر خواهد بود. چراتربیت فرزندان در کودکی نیز با مادر و پدر نیست؟ این از کدام اصل تساوی سرچشمه میگردد؟ اگر به نتیجه گیری این اصل نظر افکنیم روشن خواهد شد که منظور از این برخورد بظاهر دلسوزانه چیست؟ اصل مزبور چنین ادامه میدهد: «... و قوانین راجع به خانواده باید برای مادر امکانات مادی و معنوی در نظر بگیرد تا بتواند بفرهنگت یال بوظیفه پرارج مادری و مسئولیتهائی پردازد که در جامعه انقلابی اسلامی برعهده دارد». می بینیم که سخن بر سر مسئولیتهای «مادر» و در واقع حذف مسئولیتهای پدر است و یا بعبارت دیگر این اصل ارتجاعی که مادر بایست عمدتاً به پرورش کودک و کار خانگی پردازد و یا هم این وهم کار مزدبگیری انجام دهد، درحالیکه «پدر» لاقلاً از مسئولیت عمده پرورش کودک معاف است. ظاهر این قانون دلسوزانه و خصلت آن تحکیم مناسبات مردسالاری است. در چنین رابطه ایست که ابرازاتی چون «تعلیم و تربیت دختران وظیفه مقدم بنیادهای فرهنگی تلقی میشود» رنگ و معنا و هدف واقعی خود را آشکار میکند و منظور از تعلیم و تربیت دختران، تعلیم و تربیت آنان برای پرورش کودک در کار خانگی و معافیت مردان از این وظیفه «کم درآمد» میشود. چنین است که طرحی دلسوزانه، خصلت ضد زن خود را بیان میدارد و تازه در این ارتباط و در ارتباط با تساوی زن و مرد در مقابل قانون یک سؤال جدید باقی میماند. کسانیکه در اصل ۱۱ از خانواده بعنوان واحد بنیادی جامعه انقلابی نام میبرند درباره، صیغه و چهار زن عقدی چه میاندیشند؟ آیا زمانیکه صحبت بر سر تساوی حقوقی و واحد خانواده است نباید روشن شود که «حکومت انقلابی اسلامی» در باره خانواده، خانواده چند زنه چه میاندیشد؟ جوامع بورژوائی که ظاهراً و قانوناً اصل چند زنه را نفی کرده و «تساوی» صوری برای مردان و زنان در امر ازدواج قائل شده اند، عملاً مردسالاری و پدرسالاری را در هر زمینه رعایت میکنند چه برسد به زمینه قانونی که

اصل شرعی «چند زنه» را نفی نمیکند، خانواده چند زنه را ترمیم نمینمایند، مسئولیتهای مربوط به تربیت کودکان را عمدتاً به زنان وامی گذارد و آنرا انقلابی مینماید و ادعا میکند که زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند. اگر مسئله امکان چهار زن عقدی و زنان صیغه، مسئله ارث متفاوت، مسئله حاکمیت و ارجحیت مرد بر زن و بسیاری مسائل مانند آن که توسط سخنگویان نظریات اسلامی توجیه و تبلیغ میشود قانوناً وجود نداشت، تازه میتوانستیم از تساوی صوری و قانونی زنان و مردان صحبت کنیم و نه از تساوی واقعی آنان چه رسد باینکه متن پیشنهادی قانون اساسی تا این درجه هم «بزرگواری؟!» نشان نداده است.

نتیجه گیری ۲

جمع بندی کنیم: از نظر سیستم حقوقی و قانون نویسی، طرح پیشنهادی - اگر نتوان گفت رونویسی اصول تشابهات و همگونی اصولی با قوانین اساسی آن دسته از کشورهای اروپائی بورژوائی که با اصطلاح «پرزیدیال دموکراسی» یا دموکراسی بورژوائی با حقوق مخصوص مسلم اقوام، خلقها و اقلیتهای مردمی مشخص نشده و حتی روابط قانونی فدراتیو (استقلال استانی) نیز رعایت نگشته است. (۱)

در زمینه انقلاب و انعکاس فعالیت انقلابی توده و گسترش حقوق و آزادیهای آنان و نابودی مناسبات موجود هیچ اصل مشخصی در متن پیشنهادی وجود ندارد و درست بالعکس مسئله «احترام به مالکیت شخصی» و «حقوق مالکیت خصوصی» تأکید شده است.

بعبارت دیگر حفظ مناسبات سرمایه داری و وعده به سرمایه داران مستقیم یا غیرمستقیم در این «متن پیشنهادی» حک و منعکس است. کارگران و زحمتکشان می بایست خود راماً تعیین تکلیف کنند.

در زمینه حقوق دموکراتیک با ذکر ناروشن «عدم نقض روشن بدترین و عقب مانده ترین روابط قدرت طبقاتی سرمایه داری و دولت است. اصولی مانند اصل ۷۴ درباره شوراها در کلیت باقی میماند در حالیکه اصول مربوط به دولت، رئیس جمهور قوه اجرائیه و قضائیه مشخص و روشن است. شوراهای صوری و بیانی، باید «قانونی» باشند و هیچ حق مشخصی ندارند. در زمینه حقوق دموکراتیک با ذکر ناروشن «عدم نقض اساس جمهوری اسلامی» و غیره حق مبارزه کمونیستها و سوسیالیستهای واقعی «قانوناً» محدود شده است.

در زمینه زنان باین زمینه مهم رهائی و آزادی، کوچکترین حق واقعی برای زنان ملحوظ نشده است.

از اینرو جمعیت آزادی با این «متن پیشنهادی» پیش نویس قانون اساسی» بدلیل عدم رعایت حقوق اقوام و ملیتها و اقلیتها، عدم مبارزه با سرمایه داری، تحکیم روابط پدرسالاری و مرد سالاری، تحکیم روابط سیاسی و سلسله مراتبی و قدرت تمداری عدم توجه به توده های زحمتکش و حقوق آنان و از موضع دفاع از طبقه کارگر ایران و آینده کمونیستی عاری از ستم طبقاتی و از خود بیگانگی مخالفت میورزد. مادر آینده بطور مفصل، بند به بند این قوانین را خواهیم شکافت و همسانی آنها با قوانین بورژوائی روشن خواهیم ساخت.

جمعیت آزادی همه قدرت بدست توده ها

(۱) هر چند که در اصل ۵... بطور کلی از تساوی اقوام فارس - ترک و... بطور کلی ذکری بمیان آمده است.

در اینجا باید بگوئیم این توهم پیش نیاید که ما از انجمن ملنی قانون نویسی انتظار داریم که طرحی برای رهائی طبقه کارگر و آزادی توده های مردم ارائه دهد. این چنین طرحی فقط میتواند با شرکت مستقیم خود کارگران و توده های مردم، با شرکت نیروها و عناصر مترقی و انقلابی با نظریات مختلف تهیه و ارائه شود فقط سخن بر سر اینست که بیبوده از مردم توهم ایجاد نکنیم و امید نادرست در دلهای زحمتکشان نشانیم و به آنها بگوئیم که متن پیشنهادی فعلی قانون اساسی چیزی شبیه متون قانون اساسی کشورهای غربی بورژوائی است. روشن ابراز کنیم که مناسبات ایران سرمایه داریست و سرمایه داری باقی خواهد ماند، اما برای نتیجه گیری نهائی به نیست به زمینه آزادیهای سیاسی این «متن پیشنهادی» نیز اشاره ای بکنیم و با چند مثال نشان دهیم که آیا در این زمینه نسبی اصولی و اساسی از متون قانون اساسی کشورهای غربی با پیش نهاده شده است آیا اختلافی اساسی میان اصول متن پیشنهادی حاضر با متن قانون اساسی صدر مشروطیت وجود دارد و از آن مترقی تر و همه جانبه تر است؟

حقوق ملت:

در فصل پنجم : حقوق ملت - اصل ۲۲ آمده است : همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند. این اصل درست ترجمه اصول همانند در قوانین اساسی کشورهای مختلف است با این تفاوت که در «متن پیشنهادی» درباره حقوق زنان اصولی طرح شده که ناقض نکته فوق است و به آن اشاره خواهیم کرد.

در اصل ۲۶ آمده است: «تشکیل احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند: شرکت افراد در اینگونه گروهها آزاد است و هیچکس را نمیتوان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها مجبور ساخت». قانون نویس، تساوی در برابر قانون را در این اصل مشخص کرده است. قانونی بودن ضمناً عدم نقض وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی. حال باید باین سؤال جواب داد که «وحدت ملی» در شرایط مشخص ایران چه معنا دارد و اگر حزبی بخواهد با هدف خود مختاری برای کردستان فعالیت کند و یا سازمانی کمونیستی یا سوسیالیستی که جمهوری اسلامی و متن پیشنهادی قانون اساسی را قبول ندارد و برای تغییر اساسی آن و مناسبات حاکم مبارزه میکند، بخواهد تشکیل شود، آیا نقض کننده فعالیت ملی و اساس جمهوری اسلامی نیست؟ اصل آزادی اگر شامل چنین سازمانها و جمعیتهایی نیز میشود؟ و سرمایه داری و ایجاد مناسبات عاری از ستم طبقاتی میرزمنه و انقلابیونی که طرفدار خود مختاری خلقها و اقوام هستند پس این امر که «هیچکس را نمیتوان از شرکت

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر خواستار آزادی سعادت و حماد شیبانی شد

جناب آقای احمد صدر حاج سید جوادی وزیر دادگستری رونوشت جناب آقای هادی دادستان کل انقلاب نزدیک به دو ماه است که آقایان محمدرضا سعادت و محمود اخوان بی طرف (حماد شیبانی) در بازداشت هستند. طی این مدت اعتراضات بسیاری از طرف اشخاص و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی نسبت به بازداشت آنان صورت گرفته است.

در اعلام جرم سازمان مجاهدین خلق خطاب به آقای نخست‌وزیر و وزیر دادگستری وقت ضمن اعتراض به بازداشت غیر قانونی آقای محمدرضا سعادت موضوع شکنجه ایشان نیز مطرح شده است و ظاهراً دلایلی هم وجود دارد.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که از دوازده تا سیس یکی از هدفهای اساسی خود را آزادی زندانیان سیاسی و منع شکنجه و بدرفتاری با زندانیان اعلام کرده و در نظام طاقوتی مبارزه بی‌امان و بی‌گیری درین خصوص داشته است نسبت به این اعمال مغایر آزادی و حیثیت انسانی شدیداً اعتراض می‌کند و هر چند که تاکنون به درخواستهای این جمعیت مبنی بر آزادی آقایان محمدرضا سعادت و حماد شیبانی و قوی نگذارده اند مصرا نه خواستار آزادی فوری آنان و رسیدگی به موضوع می‌باشد.

نایب رئیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر عبدالکریم لاهیجی

در جلسه دادگاه

بقیه از صفحه ۱ قسمتی از این نامه را می‌خوانید:

اعدامهای انقلابی همه محرومان و مستعیدگان را به وجد آورده و مرا نیز بر آن داشت تا سهمی در روشن شدن حقایق در جریان محاکمات داشته باشم و به عنوان شاهد در دادگاه دژ خیامن ساواک حاضر شوم، بخصوص که خود دادگاه های انقلاب نیز در این زمینه مکرراً از شهود تقاضای همکاری کرده‌اند. اما متاسفانه در جریان محاکمه دو تن از یازجویان ساواک به اسامی بهمن نادری پور معروف به تهرانی و فریدون توانگری معروف به آرش وضع طور دیگری است. آقای تهرانی آزادانه هر چه می‌خواهد به عنوان اعتراف می‌گوید و بخصوص در مورد برخی از شهدا حرفهای می‌زند که کاملاً دروغ و عاری از حقیقت است و از آنها بوی توطئه‌ای شوم و ناجوانمردانه به مشام می‌رسد. البته این چند تن تعجب آور نیست چه ایشان به حال بقول خودش دوازده سال به طور مداوم سادقانه جنایت کرده است و از سهره‌های حساس ساواک بوده است. تعجب آور اینست که به مایه عنوان شاهدانی که خود بدست این جلادان شکنجه شده و شاهد شکنجه بسیاری از شهدا نیز بوده‌ام نه تنها اجازه صحبت و روشن کردن حقایق داده نشده، بلکه وقتی با اصرار من مواجه شدند یکی از مسئولین دادگاه گفت: «این زن اخلاک‌گر است، اخراجش کنید» که در جوابشان گفتم: «شاه هم بما اخلاک‌گر می‌گفت، من در همین اتاقها بوده‌ام، در همین سلولها بوده‌ام در همین زندان قصر زندانی شده‌ام و هنوز ناله و فریاد زنان شکنجه شده و بدن سوخته اریادم نرفته است. آیا سخنی که از سر سیردگان شاه می‌شنیدم، باید از شما بشنوم؟ آیا من اخلاک‌گرم چرا می‌گذارید تهرانی خود را بمظلومیت بزند و ترحم مردم را جلب کند و چه بهره نامردمی‌اش را پنهان کند؟ چرا می‌گذارید خود را مسلمان

پشت پرده

بقیه از صفحه ۱

بحث بر سر قانون اساسی، همچنان گرم است. و در جناحهای میانه‌رو، تاکید می‌شود که نباید روی ترکیب و تعداد اعضای مجلس موسسان توقف کرد. و محتوای قانون اساسی را باید به ترتیب رسیدگی کنندگان به آن مقدم داشت. این بحث، از این جهت چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، که انتشار انحصار طلبیان، برای در دست گرفتن مجلس خبرگان، متوجه محتوای قانون اساسی است آنچه به نام قانون اساسی تدوین شده، یقین است که يك قانون اساسی انشاء شده بر مبنای نیازهای انقلابی ایران نیست. و اساساً آنرا، چنانکه حقوقدانان مشخص کرده‌اند تاکنون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، قانون اساسی دوگانه تشکیل میدهد که کاملاً فرانسوی است، و در آن، اختیارات حکومت، در دست رئیس جمهور متمرکز شده است. و شورای نگهبان قانون اساسی هم، در حد يك نیروی بیرون از قانون اساسی بالاتر از اراده مردم ایستاده است. در حالی که قانون اساسی، باید حاکمیت مردم را، بیان و ناکند کند، و باید حاکمیت مردم را مستقر سازد. و باید درباره حاکمیت مردم، صراحت تمام داشته باشد. در برابر حقوق مردم و اهل بی‌طرفی در اصول قانون نباشد. درباره آزادیهای فردی و اجتماعی و مبادله اطلاعات و خبر و نشر عقیده و آزادی بیان به وقت وضع اصول میکند. و حدود قدرت دولت را در سلب آزادیهای فردی و اجتماعی، با قدرت محدود سازد. و قواعصاب و حق اعتراض و حق اجتماع را برای مردم بطور اعم تاکید و تسجیل کند. هر نوع اعمال شکنجه و آزار و سلب ایمنی را از مردم وسیله دولت بطور قاطع منع کند. حقوق کار در اصول خود با وضوح تمام بیان کند. و حدود مالکیت را، روشن سازد. و اصل مالکیت ارضی را، در کشاورزی به اندازه‌ی یک نفر در آن قادر به کار است، مشخص کند. و مالکیت سرمایه را، در برابر مالکیت کار، که به صاحب نیروی کار اختصاص دارد، محدود و مقید سازد تا استثمار فرد از فرد و استثمار سازمان از افراد، در قانون اساسی با صراحت منع شود و پایه اقتصاد را بر نظام سالم تولید و خدمت قرار دهد، و مالکیت بانکها و بیمه و صنایع عمده را، به جامعه ارزانی دارد.

دولت را در برابر آزادیهای فردی و اجتماعی، با قدرت محدود سازد. و قواعصاب و حق اعتراض و حق اجتماع را برای مردم بطور اعم تاکید و تسجیل کند. هر نوع اعمال شکنجه و آزار و سلب ایمنی را از مردم وسیله دولت بطور قاطع منع کند. حقوق کار در اصول خود با وضوح تمام بیان کند. و حدود مالکیت را، روشن سازد. و اصل مالکیت ارضی را، در کشاورزی به اندازه‌ی یک نفر در آن قادر به کار است، مشخص کند. و مالکیت سرمایه را، در برابر مالکیت کار، که به صاحب نیروی کار اختصاص دارد، محدود و مقید سازد تا استثمار فرد از فرد و استثمار سازمان از افراد، در قانون اساسی با صراحت منع شود و پایه اقتصاد را بر نظام سالم تولید و خدمت قرار دهد، و مالکیت بانکها و بیمه و صنایع عمده را، به جامعه ارزانی دارد.

اگر آقای رحمت رزم آریا با کمیته توضیحی بدهند، که مطلب روشن شود، ما هم از آنها سپاسگزار خواهیم شد.

يك تلفن دیگر از ما پر هیاه است آیا مطالبی را که درباره سرپرست تقویزیوف و رادیو، آقای «آزما» در روزنامه آیندگان روز پنجشنبه نوشته دیده‌ایم؟

پیش از آنکه این نامه نوشته شود، درباره هزینه اسفندماه هلی‌گوپتر، چیزهایی سرزبانها بود و خیلی‌ها می‌دانستند، منتها لحن نامه آقای «آزما» راستی تکان دهنده بود. و کاش وجدانهای انقلابی را از فلت بیرون آورد.

اینهم يك تلفن دیگر که صریح کسان ذی نفع می‌تواند آنها را روشن کند:

«حاج غلامحسین روغنی» صاحب کپانی فورد چند روز پیش با معرفی قم، به قید ضمانت آقای نجفی را از زندان قصر آزاد کرد، که در زمان وزارت خود ۹۰۰ میلیون تومان پول برداشت کرده بود. دوسه شب پیش در حدود سی نفر به خانه حاجی روغنی حمله کردند و دیشب (شب پنجشنبه حاجی روغنی برای اعراس به این امر به قم رفت.

در ضمن در هفته قبل مهدی روغنی پسر حاجی روغنی که صاحب شرکت آگرات در شاد عباس است به امریکا فرار کرده است.

ما، نه آقای حاجی روغنی و نه فرزند ایشانرا می‌شناسیم و نه یاور می‌کنیم که آقای نجفی وزیر دادگستری رژیم ساقط شده دسترس به نصد میلیون تومان پول داشته باشند.

برای پاسداری

بقیه از صفحه ۱

محافظت از مرکز خود به سلاحتهایش نیازمند می‌باشد و از طرف دیگر اگر در رابطه با «سلاح» و «مسلم بودن» مجاهدین مسالعی وجود داشته باشد این مساله باید در سطح کل کشور بین سازمان و مقامات سزله مملکتی مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار بگیرد.

آزادی بیان که ابتدایی ترین حقوق هر فرد است مورد تهدید قرار گرفته

جلسه دیروز سمینار خواستهای ملت از قانون اساسی، با شرکت کنندگان معدودی کار خود را آغاز کرد.

رئیس جلسه، صارم الدین صادق وزیر، گفت: ظاهرأ حوادث قاسف آرد دیروز، بهمزدن اجتماع دانشگاه، روی کار سمینار اثر گذاشته اکثر نمایندگان در جلسه حضور ندارند. با اینهمه این حوادث مانع از این نیست که سمینار کار خودش را ادامه دهد.

جلسه دیروز سمینار به بحث پیرامون حقوق اقتصادی و اجتماعی در رابطه با قانون اساسی، اختصاص داشت. در آغاز دکتر رشیدی و شیباالدین هیئت مالکیت و ملی کردن موسسه سخنرانی کردند.

دکتر عبدالصمد بقایی از حزب جمهوریخواه قرار بود در مالکیت و سرمایه گذاری و سخنرانی کند، اما به بهانه پیرامون هجوم به اجتماع جمع دموکراتیک پرداخت.

وی گفت: در شرایط فعلی ابتدایی ترین حقوق هر فرد گروه، که آزادی بیان است مورد تهدید قرار گرفته.

من به عنوان اعتراض بش گفتن این نوع جریانه سخنرانی نمی‌کنم.

اینست مبارزه با امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱ در مثنی انقلابی دولت، تا گه‌ها يك گردش صد هفتاد در پیش آمده است.

وزیری که جای پیدا کردن راه‌های ترمیم خسارات وارد آمده از استیلاي حکومت وابسته به امپریالیسم، را توجیه ادامه ارتباط با انحصارهای امریکایی و در ایران پیدا می‌کند، و سخنگویی که آشکارا، ادامه وابستگی ارت ایران را به امریکا، زیر پوشش (شرط مداخله نکردن) می‌وقبل قبول می‌سازد، چه رابطه با انقلاب ضد امپریالیستی ایران می‌توانسته داشته باشند؟ و چگونه می‌توانند جرأت کنند که رودر روی مردم ایران، پس از آنچه جنایات ربع قرن امپریالیسم در کشور ما، چنین سخن بگویند؟ مگر آنکه راه آفتاب هموار شده باشد، و انقلاب، چنانکه از مسیر چهار انحراف شده باشد که این بزرگواران تالی وزیر خارجه و سخنگوی کابینه آموزگار و شریف اساسی، به بیان صریح بازگشت آشتی جویانه با امپریالیسم افتخار کنند.

یقین است که هیچ ایرانی آزاده، هیچ ایرانی انقلابی و آگاه نمی‌خواهد دیناری از حق ملت خود به کاسه امپریالیسم بریزد، و یقین است که اگر وزارت خارجه دولت موقت انقلاب قصد حرکت صادقانه انقلابی می‌داشت، و به انقلاب معتقد بود، و امپریالیسم را دشمن مردم ایران می‌شناخت، چنانچه ماه وقت مملکت را به «لیت ولعل» نمی‌گذارند، و قاطعانه از راز قراردادهای امپریالیستی برمی‌داشت و فرصت می‌تاملت ایران خود راه جبران خساراتی را که از امپریالیسم دیده، پیدا کند - ولی حالا؟...

گلی به گوشه جمال دولت موقت انقلاب با این مبارز ضد امپریالیستی!

زهر اخانم را، با بدن بی‌جان و بست و با پنجه و ناخن و مشت میان صفوف اجتناب کنندگان راه انداختند.

حالا فکر کنید، رهبر مشعشعانه زهر اخانم دیو برای طراحان نقشه جنگ حمله به زمین چمن چاهانه بجهت خاطر فراهم آورد است!

حمله دیوانه به عاقل!

برای مقابله با ارتجاع

بقیه از صفحه ۱ کامل از میهن ما اخراج نشده‌اند يك سازمان مسلح باقی خواهد ماند و آمادگی خود را جهت مقابله با تهاجم ارتجاع و امپریالیسم حفظ خواهد نمود. بر این اساس ما از تمام خلقهای ستم دیده میهن و نیروهای انقلابی و مبارز میخوانیم تا در مقابل چنین توطئه‌هایی که بدون شك دامنه آنها به سازمان ما ختم نخواهد شد، تمام زحمتکشان است که جاس از یوغ استعمارزهایی می‌یابد. همچنانکه بارها گفته‌ام، با تکرار می‌کنم که من قاطعانه پشتیبان و حامی مستضعفین جامعه هستم و هر گونه ستم و استثمار محکوم می‌کنم. السلام و علیکم و رحمه الله و برکات

شیخ عزالدین

بقیه از صفحه ۱ چون چرخ اقتصاد مملکت با دست توانای کارگران می‌چرخد، باید اتحاد و همبستگی خود را حفظ کنید، چون تنها با اتحاد